

# بررسی بزه علیه جنگل‌ها و مراتع در راستای آمایش سرزمین و حفظ جنگل‌ها برای زندگی، متأثر از سیاست‌گذاری در حیطه منابع طبیعی در پرتو جرم‌شناسی سبز (نمونه موردی: استان مازندران)<sup>۱</sup>

حسن اسماعیلی

دانشجوی دکتری رشته حقوق کیفرشناسی، واحد آیت‌الله آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران

محمد نبی پور<sup>۲</sup>

استادیار گروه حقوق، دانشگاه شمال، آمل، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۳۱

## چکیده

سابقه برنامه‌ریزی آمایشی سرزمینی در کشور بیش از شش دهه و در استان مازندران مدتی پس از آن آغاز گردیده است. در این مدت، برنامه‌ریزی در مفهوم عام و آمایش سرزمین در مفهوم خاص، تحت تأثیر شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، همواره با دگرگونی‌هایی همراه بوده است. این برنامه‌ها با موانع و چالش‌هایی روبه‌رو بوده‌اند. استحاله‌های زیست محیطی در منابع طبیعی یک روند یکنواخت و عادی در طبیعت است، لیکن با گسترش فرآیندهای مخرب انسانی و استفاده بی‌رویه از مواهب جنگل‌ها و مراتع در دهه‌های اخیر در سطح استان و مجاورت و گذار جریان‌های طبیعی از این عوامل آسیب‌زا، موجبات برهم خوردن تعادل محیط و دگرگونی‌های اقلیمی و زیان‌های جبران‌ناپذیری را بر منابع سبز فراهم نموده که منتج به بروز مخاطرات طبیعی همچون فرسایش خاک، کم شدن پوشش گیاهی، بلایای طبیعی و در نهایت پدیده بیابان‌زایی می‌گردد. لیکن حراست از این منابع بیش از گذشته در کانون توجه سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران کشور در راستای نیل به توسعه پایدار قرار گرفته است اما تصمیمات سلیقه‌ای و منفعت طلبانه با نگرش‌های متفاوت از جانب سیاست‌گذاران، راه را برای بزهکاران هموار نموده است. رویکرد جرم‌شناسی سبز تحت تأثیر گفتمان جرم‌شناسان رادیکال، به تحلیل وضعیت‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کشور که منجر به جرایم علیه جنگل‌ها و مراتع می‌گردد، می‌پردازد. حال مسئله مهم چرایی وقوع جرایم و شناسایی بزهکاران آن در پرتو این رویکرد است که غالباً بازیگران آن را اشخاص حقوقی دولتی و غیردولتی و بزه‌دیدگان آن را عموم جامعه می‌داند که می‌بایست با اعمال سیاست‌گذاری‌ها و تصویب قوانینی صحیح توسط قوای مقننه و اجرایی و حتی قضایی کشور با حساسیت بیشتر به یکپارچه سازی قوانین و پیشگیری از جرایم زیست محیطی و رفع تشتت قوانین و آرا و حراست از منابع سبز استان قدم بردارد.

**کلمات کلیدی: آمایش سرزمین، بزهکاری، جرم‌شناسی رادیکال، جرم‌شناسی سبز.**

<sup>۱</sup> مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری آقای حسن اسماعیلی با عنوان "جرایم علیه جنگل‌ها و مراتع در قلمرو استان مازندران در پرتو آموزه‌های جرم‌شناسی سبز" در دانشگاه آزاد اسلامی واحد آیت‌الله آملی استخراج شده است.

## مقدمه

ترازوی میان آنچه که در زندگی بشر هست و آنچه که باید باشد، هنگامی نامتوازن شد که عقل بشر بیشتر به سمت کفه‌ای رفت که نشان‌دهنده آنچه باید باشد، است. بشر پس از صنعتی شدن، گام در راهی نهاد که منفعت را به مدد عقل در پی دست اندازی به طبیعت آنچه که در آن هست، محوریت بخشید. در این راه تحولات بسیاری پدید آمد و غالب این تحولات به سمت بهره گرفتن از محیط زیست و سپهر طبیعی انسان به میزانی بیشتر از آنچه که دارا است، رفت. در این میان، ذهن جمعی و مشارکتی انسان به شکل‌گیری شرکت‌ها، کارخانه‌ها و سازمان‌ها که همگی از دید حقوقی با اشخاص حقوقی یاد می‌شوند، انجامید و در عصر حاضر، اشخاص حقوقی به عنوان مهمترین منبع تامین مایحتاج زندگی میلیاردها انسان و در همان حال به عنوان بزرگ‌ترین تهدید برای محیط زیست مطرح می‌شوند (سیدی، ۱۳۹۷: ۲).

جغرافیای محیط پیرامون وی وابسته است. استفاده نادرست از منابع محیط زیست، آلاینده‌گی و تخریب آنها را در پی خواهد داشت (خالقی و رشنوادی، ۱۳۹۲: ۱۱۹). در همین راستا جرم‌شناسی سبز نیز با تاثیرپذیری از رویکرد انتقادی ظهور پیدا کرد و جرایم زیست محیطی را مسبب عناصر و اسبابی همچون سرمایه داری تلقی می‌نمود (گرچی فرد، ۱۳۹۲: ۲) که برخی آن را، به علت گستره شمول موضوعات آن و مدد گرفتن از دیگر رشته‌ها در تحلیل مشکلات زیست محیطی آن را «واسطه و پل ارتباطی علوم» عنوان نموده‌اند (Brisman & south, 2013, p28) و هدف آن بررسی سطح وسیعی از فعالیت‌های مخرب طبیعت به شناخت و جرم انگاری آسیب‌های وارده بر محیط زیست؛ از جمله غارت سیستماتیک جنگل‌ها (جنگل‌زدایی)، استفاده آگاهانه و غلط از اسپری‌های شیمیایی و کودها در کشاورزی، قاچاق و معامله گونه‌های نادر گیاهی، انبار نادرست و ایمن زباله‌های سمی یا انتقال غیرقانونی آنها و در مجموعه تمامی فعالیت‌های مرتبط با طبیعت می‌پردازد (گرچی فرد، ۱۳۹۵: ۳۶).

در واقع جرم‌شناسی سبز در پی بررسی آسیب‌ها و جرایم زیست محیطی از نقطه نظر رویکردهای جرم‌شناسانه است و رسالت آن پژوهش در حوزه رفتارهای مخرب محیط زیست است (دانش ناری، ۱۳۹۲: ۶۸). دغدغه مهم پژوهشگران این حوزه، لزوم بسط مفهوم ضرر می‌باشد (White, 2011, p20). این جنبش با توسعه مفهوم ضرر به دنبال جرم انگاری تمامی رفتارهای مخرب محیطی است، اما یکی از دغدغه‌های جرم‌شناسان سبز، عدم جرم انگاری کافی و نظام ضمانت اجراهای کیفری نامناسب در این حوزه است (kenedy, 2007, p216). بنابراین، جرم‌شناسی سبز با به رسمیت شناختن حقوق زیستی، عدالت زیست محیطی و تلاش جهت جرم انگاری تمامی رفتارهای مخرب محیط زیست به دنبال ارتقای رفاه زیستی تمامی شهروندان و بررسی انتقادی عدالت کیفری در این حوزه است.

در این زمینه تاکنون پژوهشی صورت نگرفته و فقط برخی مقالات مرتبط با مسئله مطروحه وجود دارد؛ از جمله مقاله‌ای به تالیف محمد صیفی و همکاران تحت عنوان «سندرم بزه دیدگی زیست محیطی: پاسخی به چرایی ارتکاب

رفتارهای آسیب رسان به منابع آب زیرزمینی» که مسئله بزه دیدگی در این قلمرو و واکنش قانونی و اجتماعی به آن را مورد تحلیل قرار داده است.

در این پژوهش با جمع آوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و به شیوه فیش برداری به نگارش و تدوین مطالب به شیوه توسعه‌ای کاربردی با روش تلفیقی و توصیفی و تحلیلی پرداخته و توصیف‌ها حقوقی و تحلیل محتوا براساس قواعد منطقی حقوقی بوده تا نتیجتاً به بهترین نظرها رسیده و ابهامات موجود و جایگاه واقعی موضوع را شناخته و ارائه نماییم.

لذا در این نوشتار با این فرضیه که عمده بزهکاران این جرائم علیه جنگل‌ها و مراتع استان مازندران دولت‌ها و شرکت‌ها می‌باشند که در جهت رسیدن به منافع اقتصادی بیشتر است و مقابله با این حجم‌ها فقط تنها راهکار مقابله با آن را تدابیر پیشگیرانه وضعی و اجتماعی همچون تصویب قوانین بازدارنده و تدوین قواعد و مبادرت به اقداماتی که در وقوع جرایم این حیطه ایجاد صعوبت کند و یا موجب عدم گرایش به ارتکاب آن شود، به بررسی بزه علیه جنگل‌ها و مراتع در راستای آمایش سرزمین و حفظ جنگل‌ها برای زندگی، متاثر از سیاست‌گذاری در حیطه منابع طبیعی در پرتو جرم‌شناسی سبز (نمونه موردی: استان مازندران) می‌پردازیم.

#### مبانی نظری

در ابتدا در بررسی بزه علیه جنگل‌ها و مراتع در راستای آمایش سرزمین و حفظ جنگل‌ها برای زندگی، متاثر از سیاست‌گذاری در حیطه منابع طبیعی در پرتو جرم‌شناسی سبزه بررسی مبانی نظری این تحقیق می‌پردازیم.

#### جایگاه جنگل در زندگی انسان

امروزه حقوق محیط زیست بخش‌های مختلف مانند حقوق مربوط به آب، خاک، دریاها، جنگل‌ها و حقوق محیط زیست شهری تقسیم شده است. از مهم‌ترین این حوزه‌ها، حقوق مربوط به پوشش گیاهی (جنگل‌ها و مراتع) است. اکوسیستم‌های جنگلی و گیاهی به دلیل کارکردهای مهم اقتصادی و اکولوژیکی که دارند یکی از مهمترین بخش‌های محیط‌زیست به حساب می‌آیند، یک جمله این کارکردها می‌توان به جلوگیری از فرسایش خاک، تصفیه آب، حفظ و نگهداری تعادل آب و هوا، تولید اکسیژن و... اشاره نمود؛ متأسفانه کارکردهای حیاتی و تعادل اکولوژیک ای که جنگل‌ها به همراه دارند توسط فعالیت‌های گوناگون بشری به میزان زیادی تضعیف شده است (ایزدی خواه و گرجی فرد، ۱۳۹۴: ۹۹). افزایش جمعیت بشری موجب تسریع بیابان‌زایی در بسیاری از کشورها گردیده و از این رو زمین‌های جنگلی، برای کشاورزی و رشد غلات تغذیه ایا پرورش دامداری، استفاده شده و یا درختان جنگلی برای سوخت بریده شده‌اند؛ به طوری که بر اساس برخی آمارها، بیش از دو میلیارد نفر از جمعیت جهان هنوز متکی به استفاده از چوب برای سوخت هستند؛ همچنین اثر توسعه بسیاری از درختان جنگلی برای مصرف داخلی و صادرات قطع شدند؛ علاوه بر این بر اثر قطع غیرقانونی درختان جنگل‌های ملی، اکوسیستم‌های موجود در آنها تضعیف و نابود شده است. اینها تنها بخش کوچکی از تهدیدهای علیه جنگل‌ها و مراتع می‌باشد (کوروکولاسوریا و رابینسون، ۱۳۹۰: ۶۹۲).

## آمایش سرزمین و جایگاه آن در زندگی انسان

### موضوع آمایش سرزمین

به نظر برخی از متفکران، موضوع اصلی آمایش سرزمین «مدیریت کشور» است (هانسن، ۱۹۸۷: ۵ به نقل از خنیفر، ۱۳۸۹: ۶). صاحب نظران دیگری نیز، برحسب دیدگاه خود در بررسی پدیده‌ها، آمایش سرزمین را به گونه‌های دیگر تعریف کرده‌اند. به نظر می‌رسد که به لحاظ مفهومی آمایش سرزمین برقراری تعادل بین عناصر سه گانه انسان، فضا و فعالیت است و سه مقوله مطرح در بحث آمایش سرزمین در ارتباط با این عناصر سه گانه هستند؛ بدین صورت که در رابطه با عنصر انسان مقوله «مدیریت» مطرح می‌شود، در رابطه با عنصر فضا مقوله «اقلیم» و در رابطه با عنصر فعالیت مقوله «برنامه و برنامه‌ریزی». براساس عناصر سه گانه فوق و مقوله‌های مرتبط با آن، آمایش سرزمین ترکیبی است از سه علم اقتصاد، جغرافیا و جامعه‌شناسی (وحیدی، ۱۳۷۳: ۷۶). با توجه به ترکیب عناصر سه گانه فوق و مقوله‌های مرتبط با آن‌ها و علوم مشمول این مقوله‌ها و همچنین با توجه به حضور و نفوذ قدرت و سیاست در بحث‌های مدیریتی کشور، جای خالی سیاست و علوم سیاسی در ترکیب فوق مشهود است؛ چراکه اداره امور کشور مشخصاً مرتبط با با حوزه سیاست و قدرت است.

### مفهوم آمایش سرزمین

کلودیوس در سال ۱۹۵۰ نخستین تعریف از آمایش سرزمین را مطرح کرده است. او این تعریف را در مورد بستر جغرافیایی فرانسه به کار برده است. در تعریف وی چنین آمده: «آمایش سرزمین در جست و جوی بهترین توزیع انسان‌ها، به تبع منابع طبیعی و فعالیت‌های اقتصادی در پهنه سرزمین است. این جست و جو با یک دغدغه ثابت، مبتنی بر فراهم کردن بهترین شرایط سکونت، کار، بهداشت، تفریحات سالم و لذت از زندگی فرهنگی سالم محقق می‌گردد. هدف اصلی صرفاً یک اقتصاد شکوفا نیست، بلکه بیشتر به دنبال زندگی خوب و شکوفایی بودن است» (کلودیوس، ۱۹۵۰: ۵ به نقل از محمودی، ۱۳۸۸: ۶).

در واقع مفروض بنیادی آمایش سرزمین این است که در جامعه امور در جای خود قرار ندارند. بنابراین با برنامه‌ریزی یا به اصطلاح چیدمان در گستره ملی و استانی باید به این ناهماهنگی پایان داد (عظیمی، ۱۳۷۹: ۲۲). با این برداشت، آمایش سرزمین زیربنای سازمان دهی توسعه منطبق‌های است و به بیانی دیگر، ابزار اصلی برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری منطبق‌های و ملی است. هدف آمایش سرزمین توزیع بهینه جمعیت و فعالیت در سرزمین است (عربگری و لطفی، ۱۳۹۸)؛ به گونه‌ای که هر منطقه متناسب با قابلیت‌ها، نیازها و موقعیتش از طیف مناسبی از فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی بهره مند باشد و جمعیتی متناسب با توان و ظرفیت اقتصادی خود را بپذیرد. از نظر مفهوم، آمایش سرزمین برقراری تعادل بین سه عنصر انسان، فضا و فعالیت تعریف شده است و مقوله آمایش تلفیقی از سه علم اقتصاد، جغرافیا و جامعه‌شناسی است (بصیرت، ۱۳۹۰: ۴).

## جایگاه آمایش سرزمین در زندگی انسان

آمایش سرزمین زمینه‌ی تعامل میان سه عنصر انسان، فضا و فعالیت و ارایه چیدمان منطقی فعالیت‌ها در عرصه‌ی سرزمین را فراهم می‌کند (رحیمی و هوشیار، ۱۳۹۸). اهداف آمایش سرزمین توسعه متوازن و توسعه عادلانه و استفاده بهینه از منابع برای توسعه و پیشرفت مناطق سرزمینی است. دستیابی به توسعه منطقه‌ای، متوازن و یکپارچه امری ضروری معطوف به استفاده درست از قابلیت‌های سرزمین، سازماندهی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و محیط زیستی برای تحقق آینده مطلوب مناطق است، به همین منظور یک برنامه‌ریزی استراتژیک آمایش سرزمین با در نظر گرفتن تمامی فاکتورهای توسعه پایدار می‌تواند به نتیجه مطلوب بیانجامد (یزدان‌پناه درو، ۱۳۹۷)؛ چرا که آمایش سرزمین روشی است که در برخورد با عدم تعادل در محیط طبیعی انعطاف‌پذیری خوبی دارد. آمایش سرزمین می‌تواند با بهره‌برداری بهینه از امکانات موجود در راستای بهبود وضعیت مادی و معنوی و در قلمرو جغرافیایی خاص در راستای توسعه منطقه‌ای عمل نماید (آقامحمدی و مرادی، ۱۳۹۷: ۹۵۷).

### علل انتخاب استان مازندران به عنوان محور تحقیق

دریای مازندران و جنگل‌های استان مازندران به عنوان بزرگ‌ترین دریاچه جهان، به یکی از مهم‌ترین مناطق استراتژیک جهان در سال‌های اخیر تبدیل شده است، اما فعالیت‌های انسانی و بهره‌برداری پرشتاب تخریب اکوسیستم طبیعی، آلودگی محیط زیست آن را به دنبال داشته است. واقعیت این است که سرعت رشد و گسترش تهدیدهای زیست محیطی در استان مازندران از سرعت همکاری‌های محیط زیستی در پیرامون آن بیشتر است (کولایی و گودرزی، ۱۳۸۸: ۷۱). شمشاد هیرکانی، درختی همیشه سبز و بومی در جنگل‌های هیرکانی در شمال ایران است که در فهرست گونه‌های گیاهی در خطر انقراض اتحادیه بین‌المللی حفظ طبیعت قرار دارد. جنگل‌های هیرکانی با یک میلیون و ۹۰۰ هزار هکتار وسعت دارای ۹۰ گونه درختی و ۲۱۱ گونه درختچه‌ای که قدمت تاریخی و باستانی آن به ۴۰ میلیون سال پیش بر می‌گردد، با وجود قرار داشتن برنامه ثبت جنگل‌های باستانی هیرکانی در فهرست جهانی یونسکو بعنوان یک ذخیره زیست محیطی طبیعی جهانی، در آستانه تخریب روزافزون و انقراض نیز قرار دارد.

در گذشته، جوامع محلی از جنگل به شکل سنتی استفاده می‌کردند و نمودی در تخریب دیده نمی‌شد، اما در سال ۱۳۳۸ که سازمان جنگل‌ها تأسیس و سال ۱۳۴۱ که قانون ملی شدن جنگل‌ها تصویب شد، مدیریت علمی جنگل‌های شمال دچار مشکلات و چالش‌های جدید شد. افراد مختلف در قالب طرح‌های جنگلداری وارد جنگل شدند که به ضرر این محیط طبیعی قرار گرفت. منابع طبیعی و خدمات این اکوسیستم‌ها در کشورهای توسعه‌یافته بعنوان سرمایه ملی محسوب می‌شود اما در ایران متأسفانه از اصل این منابع استفاده می‌گردد و این سرمایه‌های ملی نباید به هدر برود. در جنگل‌های ایران از سال ۱۳۳۴ تا کنون، سالانه در شمال کشور با حدود سه هزار هکتار کاهش جنگل مواجه بودیم که در حال حاضر به یک میلیون و ۶۵۰ هکتار رسیده و در واقع ۴۲ درصد جنگل‌های شمال کشور رو به قهقرا است و این موارد را می‌توان به شکل بصری با ویلاسازی‌ها نیز مشاهده کرد.

نظر به اهمیت و ارزش‌های اکولوژیک جنگل‌های هیرکانی استان مازندران و کارکردها و خدمات زیست محیطی جنگل در سلامت محیط زیست و بهبود کیفیت زندگی به عنوان مامنی برای حفظ و حراست از گونه‌های متنوع

حیات وحش و همسو با سیاست‌های کلان دولت جمهوری اسلامی ایران و در راستای اجرای برنامه‌های تنفس جنگل‌های هیرکانی شمال، به استناد طبق اصل ۴۵ و ۵۰ قانون اساسی و ماده ۱ قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور و ۶ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، جلوگیری وقوع جرایم در کلیه عرصه‌های جنگلی شمال کشور واقع در استان مازندران از ضرورت دو چندان برخوردار است، لذا حفظ و صیانت از آن از اهمیت دو چندان برخوردار است.

### موقعیت جغرافیایی و محیطی استان مازندران

استان مازندران، دارای ۳,۲۸۳,۵۸۲ میلیون نفر جمعیت ممتل بر ۱,۸۴,۷۹۸ خانوار براساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، به مرکزیت شهر ساری در شمال ایران و در کرانه‌های جنوبی دریای مازندران است و هم‌مرز با استان‌های گلستان، سمنان، تهران، البرز، قزوین و گیلان می‌باشد. قله دماوند مرتفع‌ترین کوه ایران و بلندترین آتشفشان آسیا و خاورمیانه در مازندران و در شهرستان آمل قرار دارد. مازندران از وسعتی معادل ۱۰۴۶ درصد ایران برخوردار است؛ قرار گرفتن آن در ساحل جنوبی بزرگترین دریاچه جهان به نام دریای مازندران (خزر) و همجواری با چهار کشور ساحلی این دریا یعنی ترکمنستان، قزاقستان، روسیه و جمهوری آذربایجان از یک سو و واقع شدن در شمال کلان‌شهر تهران (پایتخت ایران) از سوی دیگر است.



شکل ۱- موقعیت استان مازندران نسبت به کشور (www.ostan-mz.ir)

امتیاز حمل و نقل دریایی با کشورهای همسایه از طریق منطقه ویژه اقتصادی بنادر امیرآباد، فریدون‌کنار و بندر نوشهر و اسکله و سکوی نفتی نکا در شرق مازندران، اتصال آن به راه‌آهن سراسری ایران، وجود فرودگاه‌های بین‌المللی ساری، نوشهر و رامسر، برخورداری از سه جاده شوسه ارتباطی با استان تهران، و اقدام به سرمایه‌گذاری

در طرح در دست ساخت آزادراه تهران - شمال با امکان دسترسی سریع با فاصله کوتاه ۱۲۱ کیلومتر ارتباط تهران - مازندران، عبور خطوط بین‌المللی فیبر نوری، شبکه ارتباطی در مسیر کریدور بین‌المللی شمال - جنوب از هلسینکی (فنلاند)، به بندر لاوان (روسیه) تا ساحل دریای خزر فراهم آورده‌است و همچنین دو جاده بین‌المللی هراز و سوادکوه در این استان است. مطالعات باستان‌شناسی در غارهای کمر بند و هوتو دزیست انسانی در مازندران را به حدود ۹۵۰۰ پیش از میلاد می‌رساند. مازندران کنونی بخشی از سرزمین گسترده‌تری است که در متون تاریخ از آن با نام فراشوراگر و پتیسخوارگر یاد کرده‌اند.

استان مازندران با مختصات جغرافیایی حدود ۲۴ هزار کیلومتر مربع مساحت بین ۴۷ دقیقه تا ۳۸ درجه و ۵ دقیقه عرض شمالی و ۵۰ درجه و ۳۴ دقیقه تا ۵۶ درجه و ۱۴ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار گرفته است. این استان یکی از پرجمعیت‌ترین مناطق ایران از لحاظ تراکم جمعیتی می‌باشد. دارای ۱۶ شهرستان، ۴۴ بخش، ۱۱۳ دهستان و ۵۱ شهر می‌باشد. (رضوی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷).



شکل ۲- نقشه تقسیمات سیاسی شهرستانی استان مازندران ([www.ostan-mz.ir](http://www.ostan-mz.ir))

مازندران، استانی است ساحلی که دارای مرز مشترک طولانی با دریاست. میزان عرصه منابع طبیعی استان مازندران (جنگل و مرتع) ۱۶۹۱۹۶۶ هکتار (۷۰،۵٪ سطح منطقه ساری - ۲۹،۵٪ سطح منطقه نوشهر) است. تمامی شهرستان‌های استان به جز آمل، بابل، قائم‌شهر و سوادکوه، با دریا دارای مرز ساحلی هستند. قسمت هموار و جلگه‌ای مازندران، سرزمینی هلالی شکل است که از دامنه‌های قسمت کوهستانی استان شروع و به کناره‌های دریا ختم می‌شود. بقایای چین‌خوردگی‌های دوران سوم در کوهپایه‌های مازندران و بقایای آبرفت‌های قدیمی، کوهستان و ارتفاعات جنوب استان را به جلگه وصل می‌کند و در همین مناطق، رودهای متعدد، تقریباً به موازات هم از کوهستان به سوی جلگه و دریا روان هستند (سازمان نقشه‌برداری کشور، ۱۳۹۲: ۶).

استان مازندران در حوضه آبریز بزرگ دریای خزر قرار دارد که خود از چند زیر حوضه تشکیل شده است. این استان تقریباً در زیر حوضه‌های رودهای چالوس، هراز، تالار - بابل رود و نکا - تجن واقع شده و رودهای متعدد

کوچک و بزرگ دیگری نیز در آن جاری است. ۶. برای مهار و استفاده بهینه از آب رودهای جاری در استان، تعداد ۱۰ سد مخزنی و انحرافی بر روی آنها احداث شده که سد مخزنی شهید رجایی به ارتفاع ۱۳۸م، سد مخزنی گلورد به ارتفاع ۱۲۰م و سد مخزنی لار به ارتفاع ۱۰۵م که در نزدیکی شهرهای ساری، نکا و لاریجان - آمل احداث شده از مرتفع‌ترین آنهاست (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۸۱: ۲۲).

مناطق جلگه‌ای استان مازندران به دلیل موقعیت مکانی خود، دارای آب و هوایی متأثر از همسایگی با سواحل دریای خزر است. کناره‌های کم عرض ساحلی واقع در حد فاصل کوهستان البرز و دریای خزر، اصولاً دارای آب و هوایی معتدل و مرطوب است. تقریباً در تمام ماه‌های سال میزان بارش بیش از میزان تبخیر است و مقایسه سالانه دما در ایستگاه‌های سواحل جنوبی دریای خزر با یکدیگر وضع متعادلی را بیان می‌کند (نجفی‌کانی، ۱۳۸۱: ۴۱)، اما هر چه به جنوب استان یعنی به کوهپایه‌ها نزدیک می‌شویم از میزان گرما کاسته شده و در نواحی کوهستانی سرما و یخبندان‌های طولانی (۱۸۰ روز در سال)، حاکمیت دارد و حتی در ارتفاعات جنوب استان به‌ویژه قله دماوند برف و یخبندان دائمی قابل مشاهده است. موقعیت کوهستانی، کوهپایه‌ای و جلگه‌ای بودن استان و نیز میزان رطوبت، اندازه دما و کمیت بارندگی، موجب ایجاد انواع پوشش گیاهی و نهایتاً باعث تنوع در معیشت مردم و چگونگی شکل‌گیری زیستگاه‌های آنان شده است (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۴: ۴۹).

از نظر توپوگرافی استان مازندران از دو بخش متمایز و جدا از هم بصورت جلگه‌ای و کوهستانی تشکیل یافته است. منطقه کوهستانی عموماً پر شیب بوده و دارای یالهای متعدد و دره‌های زیادی است که عمدتاً در تمام طول سال دارای آب می‌باشد. بلندترین نقطه ارتفاعی بخش کوهستانی، قله دماوند با ۵۶۷۱ متر ارتفاع از سطح دریاهای آزاد می‌باشد. به لحاظ زمین‌شناسی استان شامل قسمتی از رشته کوه‌های البرز با امتداد شرقی - غربی است که با چین خوردگی‌های آلی شکل گرفته و شمال کشور را از ایران مرکزی جدا می‌نماید.

#### ریشه‌یابی بزهکاری در جرایم علیه منابع طبیعی در پرتو جرم‌شناسی رادیکال

در ریشه‌یابی و شناسایی جرم شناختی بزهکاران جرایم علیه منابع طبیعی، جرم‌شناسی سبز به عنوان یکی از مکاتب جرم‌شناسی مشهور و کاربردی محسوب می‌گردد که تحت تاثیر غیر صریح و ضمنی گفتمان و نظریات غالب جرم‌شناسان رادیکال یا انتقادی در دهه ۱۹۹۰ به منصفه ظهور رسید، لذا ضرورت معارفه‌ی جرم‌شناسی رادیکال یا انتقادی جهت تاریخ تحولات جامعه‌شناسی سبز غیر قابل اجتناب است. به همین جهت، بررسی پدیده بزهکاری در حیطه منابع طبیعی در سطح استان مازندران، فارغ از تاکید و شناخت جرم‌شناسی سبز و سیر استحاله‌ها و تطورات آن، مهمل و بی ثمر خواهد بود.

#### نگاهی نو به آسیب‌های علیه منابع طبیعی در پرتو آموزه‌های جرم‌شناسی سبز

جرم‌شناسی سبز در ابتدا توسط مایکل لینچ<sup>۱</sup> در سال ۱۹۹۰ معرفی شد و در ابتدای پیدایش این رویکرد، با تئوری‌های مختلفی عجین شد و نمود پیدا کرد. گروهی که در واقع از آغازگران این رویکرد بوده‌اند، براساس

<sup>۱</sup> - Michael Lynch



رویکردی مارکسیستی و چپ‌گرا، جرایم زیست محیطی را زاده نظام سرمایه داری و لیبرالیسم می‌دانسته و با توجه به سه کلید واژه از جمله طبقه، نژاد و جنسیت، در نقد و حل چالش‌های زیست محیطی، تنها شاهره دستیابی به جهانی عاری از آسیب‌های زیست محیطی را، از میان برداشتن اختلافات در باب طبقه، نژاد و جنسیت دانسته‌اند، اما گروهی از متفکران با پذیرش مبانی انتقادی و تقریباً مارکسیستی، برخلاف گروه نخست به تاکید نه چندانیه به مباحث انسان محورانه نداشته و با توجه به ارزش ذاتی طبیعت، نگاهی زیست محور و بوم محور به جرم انگاری آسیب‌های محیط زیست داشته‌اند. این رویکرد به هرگونه آسیب به محیط زیست، خواه انسان را مورد تهدید قرار داده و به ضرر بشر باشد و خواه مایحصل، ضرری متوجه انسان‌ها نشود، فقط به جهت ارزش ذاتی محیط زیست و طبیعت، شایسته حمایت کیفری است و می‌بایست آن عمل مورد جرم انگاری واقع شود. همچنین اقلیتی از اندیشمندان نیز با به نگاهی پس مدرن، مدعی عدم کارایی نظریات فوق، در جرم‌شناسی سبز در حل مشکلات و چالش‌های زیست محیطی می‌باشند و به کل جرم‌شناسی سبز را انکار می‌کنند (گرچی فرد، ۱۳۹۲: ۹).

جرم‌شناسی رادیکال در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در آمریکا و برخی دول شمالی اروپا همچون آنگلوساکسون نمود پیدا کرد و در پی انتقاد و خرده‌گیری از جرم‌شناسی سنتی ارائه گردید (گرچی فرد، ۱۳۹۲: ۲۳). دیدگاه رادیکال در ابتدا در کالبد جرم‌شناسی واکنش اجتماعی در سال ۱۹۷۰ ظهور پیدا کرد؛ که شامل جرم‌شناسی رادیکال یا همان جرم‌شناسی انتقادی<sup>۱</sup> یا جرم‌شناسی نوین نیز می‌گردید (نجفی ابرنآبادی و هاشم بیگی، ۱۳۹۳: ۱۷). این شاخه از جرم‌شناسی حامی گسست بنیادی یا اصول و مفاهیم جرم‌شناسی تحقیقی، تعامل‌گرایی، کنترل‌شناسی یا جرم‌شناسی سازمانی و تا اندازه‌ای بزه دیده‌شناسی می‌باشد. در واقع جرم‌شناسی انتقادی یا رادیکال یک تئوری با جهات سیاسی در تبیین و تفسیر جرم است. برخی در تعریف جرم‌شناسی انتقادی اینگونه بیان نموده‌اند: «جرم‌شناسی رادیکال یا بنیادگرا رویکردی سیاسی - عقیدتی نسبت به جرم می‌باشد و آن را جرم‌شناسی اختصاصی نامیدند» (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۹۱: ۱۹۲). پژوهش‌گران انتقادی در فرایند جرم انگاری به مباح بودن رفتارهای زیان بار برخی گروه‌ها، از جمله رفتارهای شرکت‌های بازرگانی و کارگزاران دولتی، اشاره می‌کنند (رایجان اصلی و دانش ناری، ۱۳۹۲: ۸). جرم‌شناسان انتقادی در تحلیل فرایند جرم انگاری به گفتمان ابزارگرایی کیفری<sup>۲</sup> می‌پیوندند.

<sup>۱</sup> - برخی پژوهشگران میان جامعه‌شناسی رادیکال و جامعه‌شناسی انتقادی قائل به تفکیک و تمایز شده‌اند و اظهار داشته‌اند که جرم‌شناسی رادیکال به عدم مساوات و همسانی طبقات بنیادی می‌پردازد و پیوند و مناسبتی بلاواسطه با تفکرات کارل مارکس دارد و بر استحاله و دگرگونی‌های اقتصادی در یک نظام بهترین تاکید می‌نماید و با جرم‌شناسی انتقادی که از یک سیاق اندیشه مبتنی بر تبیین تاریخی از مسائل متنازع فیه برخوردار می‌باشد، متفاوت است (صفاری، ۱۳۹۱: ۱۳). بنابراین می‌توان اینگونه برداشت نمود که جرم‌شناسی رادیکال در مقابله و قیاس با جرم‌شناسی انتقادی ایدئولوژیک تر است (فتاح، ۱۳۷۷: ۸۷).

## 2 - Penal Instrumentalism

گفتمان ابزارگرایی کیفری قانون کیفری را در بسترهای مختلف، ابزاری جهت دست‌یابی به منافع گروهی خاص می‌پندارد. در شرایطی که از یک سو، اجتماعی در خصوص منافع اجتماعی وجود نداشته باشد و از سوی دیگر، قانون به مثابه ابزاری قدرتمند تلقی گردد، اشخاص و گروه‌های مختلف اجتماعی در پی آن‌اند تا قانون را وسیله‌ای جهت دست‌یابی به اهداف خود قرار دهند. این امر به واسطه دخالت در امر قانون‌گذاری و جرم انگاری محقق می‌گردد (Tamabaha, 2006, P60).

افزایش آلاینده‌های زیست محیطی، افزایش دمای زمین در اثر افزایش گازهای گلخانه‌ای، از بین رفتن لایه اوزن، فرسایش خاک و سیل خیزی ناشی از تخریب جنگل‌ها و مراتع و به طور کل محیط زیست و پیامدهایی از این قبیل موجب شد تا جرم شناسان انتقادی در خصوص چگونگی ارتکاب جرایم زیست محیطی، میزان آلودگی، پیشگیری و نظام ضمانت اجراهای کیفری، به تحقیق پرداخته و نتیجتاً در قلمرو این رشته مطالعاتی تئوری جدیدی تحت عنوان جرم‌شناسی سبز طرح ریزی کنند (Obrien et al, 2008, p86). این قلمروی مطالعاتی با قدمتی نزدیک به بیست سال با تکیه بر ضررهای زیست محیطی، به دنبال ارتقای آسیب‌ها، قوانین و ضابطه‌های زیست محیطی است (white, 2011, p19). به عبارت دیگر، این شاخه از جرم‌شناسی با توجه به ماهیت روابط انسان و طبیعت، ضمن تفکری انتقادی نسبت به جهان طبیعی و اجتماعی به علت‌شناسی آسیب‌های زیست محیطی و چاره جویی برای برون رفت از آسیب‌های مزبور پرداخته است (دانش ناری، ۱۳۹۲: ۱۶۸).

استعمال فاقد اسلوب و بدون برنامه‌ریزی از منابع طبیعی، جهت حصول تولید و در نهایت توان افزودن تر تحت تاثیر تفکرات مارکسیستی توزیع قدرت و سرمایه در جوامع سرمایه داری، امکان دسترسی به منابع موجود در طبیعت را تحت سیطره خود قرار داده و در غلبه طبقات صاحبان سرمایه و قدرت بر معادن، جنگل‌ها و مراتع و... را فراهم نموده است. تغییرات اقلیمی، تردمیل حشره کش‌ها<sup>۱</sup>، آلودگی‌های صنعتی، نابودی گونه‌های گیاهی و حیوانی و... از نتایج تفکرات غالب در این جوامع می‌باشد (Ferrell, 2013, P78). در واقع غالب آسیب‌های علیه منابع طبیعی در سطح گسترده به واسطه فعالیت‌های طبقه صاحب قدرت اقتصادی صورت می‌پذیرد و طبقه فرودست و کم برخوردار امکانات و قدرت بزهکاری در جرایم علیه منابع طبیعی را ندارند با توجه به نفوذ و جایگاه‌ای گروه از مجرمان در نظام عدالت کیفری، فعالیت‌های آسیب زای آنان مورد جرم انگاری قرار نمی‌گیرد و یا برای این نوع بزهکاران دستگاه‌های کنترلی کیفری به مسامحه برخورد می‌نماید. لذا بزه ارتكابی بزهکاران علیه منابع طبیعی یا مورد تعقیب قرار نخواهد گرفت و یا چنانچه مورد تعقیب قرار گیرد به مرحله صدور حکم نخواهد رسید، و یا احکام تخفیفی مشمول آنان گردیده و مجازات‌های بدون بازده برای آنان صادر می‌گردد و یا اجرا نمی‌گردد (صیفی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۴۲).

#### ارتباط میان بزهکاری و منابع طبیعی از دیدگاه جرم‌شناسی سبز و استحاله مفهومی آن

حقوقدانان ضابطه بیان تعریف جرایم زیست محیطی را اصل قانونی بودن جرایم می‌شناسند و اعمالی که در این چارچوب قرار نگیرد را، جرم تلقی نمی‌کنند، اما جرم شناسان به ویژه جرم شناسان سبز، فقط نقض مقررات زیست محیطی ضابطه خوبی برای احصاء و تفکیک جرایم و جرم انگاری آسیب‌های علیه محیط زیست نیست و فقط به موجب وارد شدن آسیب به محیط زیست، آن را جرم تلقی کرد و در واقع با این توصیف گستره جرایم زیست محیطی را وسعت دادند (اسماعیلی، ۱۳۹۹: ۳۴). در حراست و مراقبت از منابع طبیعی، شالوده پیشگیری نقشی اساسی دارد (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۱۱) و می‌بایست مورد تدقیق و عنایت قرار گیرد، برای اینکه آسیب‌های وارد شده به

<sup>۱</sup>- The Pesticide Treadmill

آن، موجب غرامت‌های زیادی که اغلب جبران ناپذیر است، خواهد شد (ریوچی، ۱۳۸۵: ۶۸). هرچند پیش بینی واکنشی موجب بازدارندگی در جرایم علیه این منابع خواهد شد اما پیشگیری کنشی از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا پیشگیری بهتر از ترمیم و درمان یک مسئله می‌باشد.

در تقابل منافع شرکت‌ها و دولت‌ها و حراست و حقوق منابع طبیعی، بهترین و موثرترین الگوریتم جهت مستحیل گشتن چالش فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی شرکت‌ها و دولت‌ها از یک طرف و حراست محیط زیست از طرف دیگر، می‌توان «اصل توسعه پایدار» را ارائه نمود (سراج الدین و پارت، ۱۳۷۹: ۳۳). اصل مزبور در منشور محیط زیست و مرتبه به منظور همخوان کردن سه رکن توسعه اقتصادی، پیشرفت اجتماعی و احترام به محیط زیست مطرح شده است. در آغاز و پیشگفتار منشور اینگونه بیان شده است: «به منظور تضمین توسعه پایدار تامین نیازهای نسل حاضر نباید ظرفیت‌های نسل آینده را به اندازد و در عین حال، مردم تأمین نیازهای واقعی خود رضایت‌مندی داشته باشند». همچنین در ماده ۶ منشور نیز مقرر شده است: «سیاست‌های عمومی، باید اصل توسعه پایدار را ارتقا دهند، به همین منظور این سیاست‌ها حمایت و ارتقای محیط زیست را مورد توجه قرار داده و با توسعه اقتصادی و پیشرفت شما هماهنگ می‌شوند».

در رویکرد بوم محوری در جرم‌شناسی سبز که شایسته‌ترین و برجسته‌ترین تقسیم‌بندی بزه دیدگان جرایم علیه منابع طبیعی است، بزه‌دیدگان انسان و غیر انسان مورد تدقیق قرار می‌گیرد، لذا همه فعالیت‌های آسیب‌زا در حیطه منابع طبیعی، چه اعمال و فعالی که مورد جرم انگاری واقع شده است و چه اعمال و افعالی که جرم انگاری نگردیده‌اند، مطابق جرم‌شناسی سبز، در حیطه اعمال بزهکارانه علیه منابع طبیعی محسوب می‌شوند و انگیزه سودآوری و دستیابی بهره اقتصادی علت و عامل ایجاد و وقوع آن می‌باشد، که عمده بزهکاران این جرائم دولت‌ها و شرکت‌ها می‌باشند که در جهت رسیدن به منافع اقتصادی بیشتر است و مقابله با این حجم‌ها و فعالیت‌های نهادهای مذکور، امری محال به نظر می‌رسد و فقط می‌توان با آگاه‌سازی افکار عمومی در راستای نیل به مقصود مورد نظر قدم برداشت (زاهدی، ۱۳۹۳: ۲۶)، اگرچه دولت‌ها و شرکت‌ها نیز با تمسک به روش‌های عوام‌فریبانه مقاصد خود را نیز پیش می‌برند. لذا در حراست از منابع طبیعی و مقابله با جرایم علیه آن نمی‌توان مرزی قرارداد و جهت حفظ و انتقال این قوه بالفعل به نسل‌های آینده می‌بایست معاضدت‌ها و همیاری‌های فراگیر بین‌المللی صورت پذیرد (افشاری، ۱۳۸۹: ۴۳)؛ زیرا کره زمین زیستگاه همه جانداران ساکن اعم از انسان و غیر انسان ساکن بر آن است و در واقع یک زیستگاه بدون مرز داریم که در صورت نابودی آن تمامی آن بزه دیده و قربانیان آن خواهند بود.

### اتیولوژی و شناسایی بزهکاری در جرایم علیه جنگل‌ها و مراتع استان مازندران

برخورداری از آب و هوای سالم از جمله مهمترین حقوق شهروندان است و جنگل‌ها و اراضی طبیعی مهمترین منبع تأمین هوای پاک و از جمله سرمایه‌های ملی و در زمره انفال<sup>۱</sup> قرار دارد چرا که مطابق مبانی اسلامی این منابع سبز، به عنوان ثروت‌های عمومی در اختیار حکومت عدل اسلامی قرار داشته و باید به نفع عموم از آنها استفاده

<sup>۱</sup> - «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْإِنْفَالِ قُلِ الْإِنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَأَتَقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»: سوره انفال/آیه ۱

شود (سجودی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۲۲) و رسول اکرم (ص) نیز بر محافظت جنگل‌ها حتی در زمان جنگ هم سفارش فراوان کرده است (منتظری، ۱۳۶۷: ۲۰۷). در قوانین کشور ما نیز طبق مبانی و شالوده‌های اسلامی، جز انفال تلقی شده و به سبب اصل ۴۵ در اختیار و تملک حاکمیت می باشد (باختر، ۱۳۹۳: ۳۵). استان مازندران به عنوان قطب طبیعت گردی و سرمایه‌گذاری در میان سایر استان‌های کشور، با بیشترین حجم این نوع آسیب‌ها مواجه است که تخریب و نابودی آن با هیچ توجیهی قابل قبول نیست. نظر به اهمیت و ارزش‌های اکولوژیک جنگل‌های هیرکانی استان مازندران و کارکردها و خدمات زیست محیطی جنگل در سلامت محیط زیست و بهبود کیفیت زندگی به عنوان مامنی برای حفظ و حراست از گونه‌های متنوع حیات وحش و همسو با سیاست‌های کلان دولت جمهوری اسلامی ایران و در راستای اجرای برنامه‌های تنفس جنگل‌های هیرکانی شمال، به استناد طبق اصل ۵۰ قانون اساسی و ماده ۱ قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور و ۶ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، جلوگیری وقوع جرایم در کلیه عرصه‌های جنگلی شمال کشور واقع در استان مازندران از ضرورت دو چندان برخوردار است، لذا جنگل‌ها و مراتع که طلای سبز کشور هستند و هرگونه قصور و تقصیر در رابطه با صیانت از آنها ظلمی نابخشودنی به مردم و نسل‌های آینده است و دستگاه‌های مسئول در حفظ و احیاء و توسعه و بهره برداری ضابطه مند از اراضی و منابع طبیعی که از ضرورت‌های فرا روی کشور است باید باتمام توان خود از سرمایه‌های ملی حفاظت کنند و دست متضررین و متخلفین و سوداگران را از این منابع خدادادی کوتاه نمایند. در این مبحث با پرتوی دیدگاه‌ها و آموزه‌های جرم‌شناسانه سبز به تحلیل علل عدم کارکرد و ناموفق بودن سیاست کیفی و اجرایی و قضایی دستگاه‌ها و نهادهای دخیل در حیطة جنگل‌ها و مراتع در استان مازندران در جلوگیری از تخریب و نابودی آن می‌پردازیم.

#### اتیولوژی و شناسایی بزهکاران علیه جنگل‌ها و مراتع استان مازندران در پرتو جرم‌شناسی سبز

نگاه به جرایم و آسیب‌های علیه جنگل‌ها و مراتع در استان مازندران برخلاف دیدگاه مدیران و متولیان این حیطة، آسیب‌های جزئی که از اشخاص حقیقی و گردشگران وارد می‌گردد، تنها دلیل تخریب این منابع سبز نیست. رخدادهایی که در سال‌های اخیر پدیدار شد، ماحصل دخالت و ورود عواملی قوی تر از این دست بوده است. چرا که ویرانی جنگل‌های هیرکانی ممکن است در نتیجه اعمال و رفتارهای زیست محیطی بومیان، گردشگران و شخص حقیقی باشد، اما به حتم عامل‌های مخرب این مزبور گسترده تر از آنچه تصور می‌شود هستند و از قوه قاهره و قدرت بسیار بالاتری برخوردارند و خلطی از عوامل محلی و استانی و کشوری می‌باشد. لذا فرض منشاءیی صرفاً محلی با مرتکبان حقیقی در تخریب جنگل‌ها و مراتع استان امری غلط است. پیدایش موضوعات زیست محیطی و عدم پایداری میان تمدن‌های منسوب به آب و منابع سبز را می‌توان نتیجه و پیامد تمشیت نادرست آب و خاک تلقی کرد. عدم بهره برداری درست و متناسب از منابع جنگلی و مرتعی و آب و خاک منتج به شور شدن خاک و بیابان زایی می‌گردد. مدیریت امامزاده و ناپسند یا نبود مدیریتی درست منابع طبیعی و محیط زیست در سطح استان پیوسته منتج به معضلاتی شده است. دلایلی تقریباً همسان این موضوع را تایید می‌کند که عدم

مدیریت درست انسان محتمل سبب پیدایش معضلاتی می‌گردد، که رفاه و آسایش و بقا و پایداری انسان و نسل‌های آینده بشر را تهدید و به مخاطره می‌افکند.

اثر بشر در این استحاله‌های زیست محیطی بغایت بیشمار است و هر دگرگونی بره‌های در روند یک اقلیم سبب احاله‌ی آن به خارج از وضعیت متعادل و معمول گردیده و از اینرو توان ساختار تولید بیولوژیک آن را با اختلال مواجه می‌نماید.<sup>۱</sup> رفته رفته با گذر زمان استعمال نادرست و بی‌قاعده، منتج به نابودی جنگل‌ها و مراتع شده و در غایت امر منتهی به نابودی منابع اقتصادی و سرمایه کشور خواهد شد. این پیشامد نشانگر این حقیقت است که انهدام جنگل‌ها و مراتع، در اثر استعمال ناپایدار منابع سبز با بازتاب‌های غیرقابل رجوع و غیر قابل جبران مواجه می‌باشد. رشد و توسعه کشور و احتیاجات صنعت به آب و چوب و خاک غیر قابل احتراز است. همچنین ایجاد سدهای آب، فاقد نظرهای کارشناسی، موجب کاسته شدن از رطوبت خاک در پایین دست سدها گردیده که برای مثال می‌توان به سد هراز اشاره نموده که در نتیجه این امر، رسوبات ریز که سابقاً در کف رودخانه وجود داشت را حال نمایان و آشکار نموده و اسباب وقوع سیلاب‌ها و بیابان‌زایی را فراهم می‌نماید.

در تحقق اثرات مخرب ناشی از آسیب‌های وارده به جنگل‌ها و مراتع دو صانع یا علل اثری بنیادی اعمال می‌کنند. صانع نخست ماخذ و منشاء این اثرات زیانبار و مرتکبان آن و دوم انگیزه‌های ضروری جهت ارتکاب اعمال و رفتارهای آسیب‌زننده (رعایایی و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۳). لذا هر اثر و حادثه‌ی مخربی در حیطه جنگل‌ها و مراتع دو رکن یا جزء را داراست. لذا شناسایی و ارائه راهکارهایی در پیشگیری و حل بحران آسیب‌های مزبور؛ مستلزم معارفه و آگاهی و شناخت علل یا کانسارهای آن می‌باشد.

سر منشاء و عوامل ایجادکننده آسیب‌های مخرب جنگل‌ها و مراتع را با توجه به ملاک‌ها و ضابطه‌های مختلف می‌توان به دو قسم منابع طبیعی و مصنوعی (انسانی) تفکیک و گروه‌بندی نمود که بر حسب عوامل دخیل در ایجاد بحران که سر منشاء محلی، منطقه‌ای و یا فرا منطقه‌ای دارد. عوامل مصنوعی تخریب جنگل‌ها و مراتع، به عواملی متسبب است که در اثر مداخله و دست‌اندازی انسان به صورت مستقیم و غیرمستقیم ایجاد می‌گردد. عوامل طبیعی نیز به نوبه‌ی خود در کنار عوامل انسانی از عظیم‌ترین سرچشمه‌های مخرب محسوب می‌گردد، ولیکن آنچه از بایستگی بالایی برخوردار است؛ عوامل و سرچشمه‌های مصنوعی یا انسانی است.

بسیاری از کارشناسان امور محیط زیست و قایعی از جمله خشکسالی‌های پشت سرهم و طویل، دگرگونی‌های اقلیمی و آب و هوایی فاقد دوره بازگشت را مولد گرم‌شدن زیست‌کره می‌دانند، لذا می‌توان اظهار داشت که این مولفه‌ها به طور غیر مستقیم ناشی از اقدامات بشر است و در واقع نقش انسان در بحرانی‌تر شدن و بغرنج شدن وضعیت جنگل‌ها و مراتع در استان بیش از عوامل طبیعی دخیل در آن می‌باشد. از دیدگاهی دیگر نیز عوارض‌ها و ماخذهای مخرب را می‌توان با توجه به

<sup>۱</sup> - برخی بیان داشته‌اند که ظرفیت برد محیط منابع می‌تواند به علت آثار تجمعی پیامدهای محیط زیست به صورت منفی تحت تاثیر قرار بگیرد. این آثار ممکن است از جمع با اثر پیامدهای مقطعی چندین عامل مشخص، طی دوره‌های زمانی مشخص، یا ناشی از جمع اثر پیامدهای مقطعی چندین عامل یا فعالیت در یک دوره زمانی کوتاه بروز کرده و پدیدار شود.

قلمرو اثر بخشی آن در عوامل منطقه‌ای، ملی و فرامنطقه‌ای تفکیک نمود، در صورت اول؛ این عوامل معمولاً نوری و جدید هستند که طی سه دهه گذشته ایجاد شده‌اند و قابلیت ایجاد محرک‌های در سطح منطقه‌ای و محلی به واسطه برخورد یا خلط با عوامل انسانی جهت تخریب و آسیب به جنگل‌ها و مراتع در استان را فراهم می‌نماید. به عنوان مثال کاهش بارندگی و گرم شدن زمین در سال‌های اخیر در کنار توسعه شهر سازی و معدن کاوی و بهره‌کشی مفرط جنگل‌ها برای الوار و... در سطح استان موجب کاهش رطوبت خاک و میزان چسبندگی آن شده است و در نهایت منجر به رانش مراتع و از بین رفتن پوشش گیاهی و جانوری در جنگل‌ها و مراتع در سطح محلی و منطقه‌ای را در استان فراهم می‌سازد. در صورت دوم نیز عوامل انسانی موجب تشدید، نیرومند تر شدن یا تقویت عوامل طبیعی مخرب می‌گردد که حتی کمافسابق از گذشته وجود داشته است و رویه طبیعی تحقق پیدا می‌کرد. برای مثال در خصوص آفات گیاهی که به طور کلی در طبیعت وجود داشته است اما استفاده بی رویه از سموم و آفت کش‌های شیمیایی موجب افزایش و به روز شدن و حتی تقویت آفت‌ها در هر سال گردیده و در نهایت منجر به از بین رفتن پوشش گیاهی و مدیریت زنده در جنگل‌ها گردیده است.

در بررسی‌های ژئومورفولوژی این برآیند به دست آمده است که عوامل انسانی مخرب در کنار اراضی جنگلی و مرتعی که در آن فعالیت‌های معدنی، شهرکی و تجارتي و... صورت پذیرفته، موجبات شتاب چند برابری تخریب و از بین رفتن جنگل‌ها و مراتع در استان شده است، در حالی که در اراضی ای که انسان به هیچ وجه در آن مداخلیتی نداشته، کمتر در معرض تخریب قرار گرفته و مناطق همجوار آن نیز از سطح تخریبی کمتر برخوردار است. بنابراین می‌توان اینگونه اظهار داشت که از بین رفتن پوشش گیاهی و نابودی جنگل‌ها و مراتع در استان مازندران در نتیجه خلط عوامل انسانی با سرچشمه‌های طبیعی مخرب که نقش عوامل انسانی در آن برجسته تر و بارزتر است، می‌باشد، که این ماحصل؛ ناشی از توسعه بیش از پیش عوامل جرم‌زا و مخرب و آسیب‌زننده به جنگل‌ها و مراتع در کنار عوامل طبیعی است، که کلکسیون از علل، در بالا رفتن نرخ نابودی جنگل‌های هیرکانی و شمالی کشور را ایجاد نموده است.

عوامل انسانی مخرب جنگل‌ها و مراتع در استان از این رو حائز اعتنا و تدقیق است که یک جهت از رویه و عملکردهای محیط‌زیست در بالا رفتن مقاومت خاک مانند پوشش سنگ ریزه و ریگ در نتیجه تعرض و دست اندازی انسان به شدت کاسته شده است و از جهتی دیگر منابع سبز و مرتعی در جوار و نزدیکی مراکز جمعیتی جای دارد. به عبارتی چوب و سودجویان و همینطور مردم عادی هم در استان و هم از دیگر شهرها ظرف چند ساعت در کمال آزادی و بدون محدودیت به این منابع سبز دسترسی دارند و همینطور معدن کاوی‌ها در قلمرو جنگل‌ها و مراتع نظارت در حال فعالیت می‌باشند، موجب شده است بسترهای جرم‌زا عوامل آسیب‌زننده افزایش یابد؛ چرا که بیشترین عوامل و مأخذهای مخرب \_ که نتیجه خلط این عوامل با عوامل مصنوعی انسان ساز است \_ معمولاً در حاشیه رودخانه‌ها و مراتع جنگلی ایجاد می‌گردد و یا فعالیت‌های انسانی موجب کم شدن مقاومت خاک و یا گسترش غبار گردی می‌گردد. در کنار عوامل طبیعی موثر در تخریب منابع سبز، در خصوص آثار منابع انسانی و اقدامات مخرب و جرم‌زای اشخاص حقیقی و حقوقی علیه جنگل‌ها و مراتع در استان مازندران که در سه دهه گذشته بیش از پیش استکثار یافته است، این مسئله را مطرح می‌شود که آیا عوامل انسانی یکی از علت‌های افزایش عوامل طبیعی است؟ و آیا میزان مخرب بودن عوامل طبیعی ارتباط با تغییر عوامل انسانی محرک دارد؟

در بررسی‌های جرم‌شناختی و شناسایی آسیب‌های مخرب یک منطقه یا ناحیه در پرتو رویکرد جرم‌شناسی سبز، آنچه قدرت یک عامل طبیعی را در مبدل کردن یک ناحیه جنگلی و مرتعی سالم به یک منطقه بحرانی تعیین می‌کند، سرعت آستانه خاک، پوشش گیاهی و جنگلی و... آن ناحیه است. لذا اگر سرعت آستانه ناحیه‌ای پایین باشد، عوامل طبیعی و مصنوعی مخرب با نیروی کم نیز می‌تواند موجب تغییر آن اقلیم گردد. رطوبت خاک و متعاقباً چسبندگی آن، میزان پوشش گیاهی و جنگلی یک ناحیه، میزان آفات گیاهی و... از عوامل تاثیرگذار در سرعت آستانه باشند و در این میان مهمترین مسئله دخالت انسان و جرایم و آسیب‌های انسانی است که رتبه اول در کاستن میزان قدرت و سرعت آستانه یک منطقه جنگلی و مرتعی را دارد. بدیهی است که ایجاد صنایع مختلف و فرآورده‌های آن، سد سازی، معدن کاوی، بهره‌کشی مفرط از مراتب با روش‌های سنتی دامداری و آبی‌پروری، توسعه شهری، افزایش جاده‌های جنگلی، بهره‌وری بدون رویه از منابع جنگلی در برداشت الوار و توسعه گردشگری و ساخت شهرک‌های تجاری و مجتمع‌های تفریحی و توریستی در نزدیکی جنگل‌ها و محل‌های مرتعی در سطح استان مازندران، اگرچه از احتیاجات نظام در راستای نیل به اهداف اقتصادی و توسعه پایدار است، ولیکن این قبیل فعالیت‌ها نیازمند زیرساخت‌هایی است که منوط به بررسی جامع زیست محیطی می‌باشد؛ زیرا که هر کدام از فعالیت‌های آسیب‌زننده ناشی از اقدامات اشخاص حقیقی و حقوقی در کنار تغییرات آب و هوایی اکوسیستم، سرچشمه پیامدهای بسیار خطرناک علیه جنگل‌ها و مراتع در استان می‌گردد.

باتوجه به مسائل و چالش‌های ملاحظه شده در حیطه جنگل‌ها و مراتع، می‌توان اظهار داشت که در حیطه سیاست‌گذاری اگرچه مقررات معدودی در حراست از محیط زیست بالاخص منابع سبز وجود دارد، ولیکن شیوه سیاست‌گذاری و تدوین قوانین توسط مقنن سبب ایجاد این چالش گردید که اکثریت اقدامات و اعمال رشته ضعیف و فرودست در مقررات مذکور بزه قلمداد شد و منتهی به کیفر گردید، اما قشر صاحب قدرت و صاحب سرمایه، در سیاست‌گذاری‌ها و قوانین، دارای اختیارات تام بوده و اعمال آنان مورد مواخذه قرار نمی‌گیرد. در واقع نظام سیاست‌گذاری ما با اعطای آزادی بی‌قید و شرط به دولت و سازمان‌ها و شرکت‌های وابسته به دولت به عنوان تصدی در اعمال حاکمیت و جرم‌انگاری اعمال اشخاص حقیقی، فلسفه و منطق تدوین قوانین در حیطه حراست و بهبود محیط زیست را زایل نموده است؛ چرا که پهنه گسترده فعالیت‌های اشخاص حقوقی بالاخص اشخاص حقوقی دولتی قلمرو حفظ جنگل‌ها و مراتع استان، پیامدهای غیر قابل ترمیم و مغرمی بر جای می‌گذارد که به صورت چالش‌هایی عظیم ظهور می‌کند که در واقع غیر قابل جبران است. از بین رفتن منابع سبز استان مازندران و گسترش بیابان‌زایی و فرسایش خاک و از بین رفتن گونه‌های جانوری و گیاهی ناشی از آلودگی شیرابه‌های زباله‌های دپو شده شهری در مناطق مرتعی و آلودگی‌های آب و خاک و هوا و... از پیامدهای فعالیت‌های آنان است. در واقع سیاست کیفری که در قبال جرایم و آسیب‌های جنگل‌ها و مراتع در کشور ما دارد همان چیزی است که در جرم‌شناسان رادیکال و انتقادی آن خورده گرفته بودند.

#### دشواری‌های شناسایی اعمال بزهکارانه علیه جنگل‌ها و مراتع استان مازندران

در بستر قانونگذاری، مرکزیت سرمایه و قدرت در نزد سازمان‌ها و نهادهای حاکمیتی است و سپر عملکردها و روند فعالیت‌های این نهادها در راستای تامین نمودن مصالح نظام سرمایه داری است که این مهم باعث ایجاد یک نقاب قانونی

برای فعالیت‌های اشخاص حقوقی خصوصی و دولتی می‌شود. به عبارتی دیگر اقدام‌های سازمان‌های مربوطه در ظاهر قانونی و بر اساس شالوده‌های علمی و قانونی حراست از جنگل‌ها و مراتع است، لکن و اجرا اقدامی آسیب‌زننده و بزهکارانه یا جرم‌زا می‌باشد.

از بین رفتن روزافزون جنگل‌ها و مراتع در استان مازندران و پیامدهای منفی آن بر جانداران انسان و غیرانسان، حاصل اقداماتی همچون سدسازی‌های غیر فنی و غیر کارشناسانه، انبار نادرست و نایمن زباله‌های سمی یا انتقال غیر قانونی آنها، بهره‌گیری بی‌رویه از جنگل‌ها در تهیه الوار به صورت مجاز و با مجوزهای صادره از نهادهای زیربط، تصرفات غیر قانونی مراتع و اراضی ملی، معدن‌کاوی غیر اصولی و بدون نظارت با مجوزهای قانونی، طرح غیر کارشناسانه در انتقال آب از استان مازندران به سمنان و... مواردی از این نوع می‌باشد.

در واقع در شرایطی که بستری جرم‌زا در یک سیاست قانون‌گذاری ایجاد می‌شود، تمامی طرح‌ها و اقداماتی که در بستر مزبور اجرا می‌شود، به جهت آسیب و صدماتی که بر جنگل‌ها و مراتع وارد می‌آورد به صورت فعل و انفعالات بزهکارانه نمودار خواهد شد. لذا با اوصاف مذکور، این تصور در اذهان متصدیان و متولیان امر در حراست از جنگل‌ها و مراتع در سطح استان و در سطح کلان ایجاد می‌گردد که میان اصل رکن حراست از جنگل‌ها و مراتع و به طور کلی محیط زیست و توسعه پایدار و سودآوری اقتصادی کشور در حیطه محیط زیست، ضدیت و منافات وجود دارد و بر اساس این تصور اشتباه، با ملاحظه و واری صرفه اقتصادی، منافع و سودآوری طرح‌ها و پروژه‌های مصوب، در برابر حفظ و حراست از جنگل‌ها و مراتع، با رجحان منافع مزبور، محیط زیست را ذبح می‌کنند. اقداماتی از این دست در یک بستر و نظام اداری و سیاسی، موجب شده است که در حیطه فرهنگ‌سازی کشور دچار تزلزل شده و یک فرهنگ نادرست در تجری و تقویت اعمال بزهکارانه در قلمرو دولتی شکل بگیرد که ماحصل آن تصویب و اعمال طرح‌های مشابه و ظهور صدمات روزافزون بر جنگل‌ها و مراتع در استان می‌باشد. نکته قابل توجه آن است که شماری از آسیب‌های ناشی از فعالیت‌های این سه گروه نسبت به محیط زیست جرم‌انگاری نمی‌گردد و توسط مقام‌های دولتی صورت می‌پذیرد که به طور محسوس نقض قانون محسوب نمی‌گردد و در مقابل نیز شماری از آسیب‌های زیست محیطی که مقنن برای آن جمله انگاری کرده است، ولیکن دولت‌ها یا شرکت‌ها جهت افزایش و گسترش فعالیت‌های خود بدان محتاج می‌باشند و یا به انگیزه سودآوری بیشتر با تمسک به گروه‌های سازمان‌یافته به نقض و دور زدن قوانین و مقررات مربوط می‌پردازند (قاسمی، ۱۳۹۱: ۷۲).

### معضلات سیاست‌گذاری در کنترل اعمال بزهکارانه علیه جنگل‌ها و مراتع

سیاست‌های ناصحیح در برابر تخریب‌های زیست محیطی جنگل‌ها و مراتع در استان سبب آن گردیده، کانون‌های جدید با ظرفیت گرایشی بالا در جذب مخاطبان شکل بگیرد و مناطق مزبور دستخوش فرسایش شدید خاک شوند، که این منطوق بیانگر شتاب بی‌اندازه‌ی جریان بیابان‌زایی در سطح استان و به تبع آن کشور است. برخی از جرم‌شناسان سبز بر این عقیده‌اند که قربانی جرایم علیه جنگل‌ها و مراتع، بشر و هرچه که در طبیعت در پی اعمالی مجرمانه چه در قالب جرایم عمدی و چه غیر عمدی (بی‌مبالاتی و بی‌احتیاطی و ناکارآمدی)، دچار صدمه و خسارت خواهد شد،



می‌باشند(وایت، ۱۳۹۲: ۴۸). جرم شناسان سبز از سه منظر انسان محوری<sup>۱</sup>، زیست محوری<sup>۲</sup> و بوم محوری<sup>۳</sup> در تلاش جهت جرم انگاری آسیب‌های زیست محیطی است و به واسطه مفاهیمی من جمله عدالت زیست محیطی و عدالت اکولوژیکی که می‌بایست جهت حفظ محیط زیست در روابط میان انسان و طبیعت برقرار گردد، بحران‌های زیست محیطی را مدیریت و رفع می‌نمایند (2006, p215). حال این مسئله که کدام یک از تئوری‌های فلسفی در ارتباط با محیط زیست و نیازهای انسانی در جرم‌شناسی سبز، پیامدهای مثبت تری را به بار می‌آورد. جای جدال و مجادله جرم شناسان می‌باشد، اما هر یک از این تئوری‌ها و سیاست‌های ناشی از آن باید در راستای اکو فلسفه باشد و جرم‌شناسی سبز بر این اعتقاد است که با یک تئوری و قرارداد آن در مرکزیت قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری در یک نظام حقوقی، نمی‌توان تمامی آسیب‌های زیست محیطی را تحلیل و کنترل کرد و نباید تنها به یک تئوری اکتفا نمود. در حقوق کیفری ایران نیز هرچند حمایت کیفری یکپارچه و سنجیده‌ای از محیط زیست و اجرای آن به عمل نیامده است، اما رویکرد حاکم بر آن، نگاه حاکم بر آن طبیعت محور یا بوم محور است.

#### معضلات اجرایی دخیل در اعمال بزهکارانه علیه جنگل‌ها و مراتع

عدم وجود سیاست جنایی منطقی و مقبول در قبال جرایم علیه این منابع، ضعف و ناکارآمدی سیاست جنایی اتخاذ شده، موجب می‌گردد در مرحله اجرا و عمل این سیاست‌ها دچار مشکل شود و در مبارزه با جرایم علیه جنگل‌ها و مراتع عملکرد خوبی در سطح استان نداشته باشیم. در ذیل به بررسی عوامل دخیل در قلمرو اجرایی در وقوع جرایم علیه جنگل‌ها و مراتع می‌پردازیم.

#### عدم اعتنا و التفات مجریان طرح‌های عمرانی و بهره برداری به قوانین مربوطه

عدم ایمن سازی اجرای قوانین مصوب موجب شده است که با اجرای طرح‌های نامطلوب و نامساعد نسبت به محیط زیست جنگل و مراتع استان مازندران و کلی نگر در اجرای طرح‌ریزی‌ها و دقت به رشد قسمتی از جنگل‌ها بدون دقت در اینکه علت تخریب سابق آن ناحیه چه بوده است و سکوت متولیان سبب گردیده تا پیامدهای منفی در حیطه‌ی اجرایی سیاست‌ها و قوانین ایجاد شود. یکی از علل بزرگ مشکلات ایجاد شده در پهنه محیط زیست استان مازندران، عدم مقید بودن قوانین مصوب در کشور می‌باشد. علی‌رغم فقر فرهنگی و ترجیح ندادن مصلحت‌های کل به جز موجب شده است که نهادها و ارگان‌های در ارتباط با جنگل و مراتع با اعتنا به قوانین

<sup>1</sup> - Anthropocentric perspective

طبق دیدگاه انسان محوری بشر تنها دارای تکالیف اخلاقی در برابر هم نوع خود می‌باشد، نه دیگر جانداران. همچنین تئوری انسان محوری نوین بر این هم اصرار دارد که معنایی صحیح از مصالح و منافع بشری ارائه نماید. (Yang, 2008, p28)

<sup>2</sup> - Biocentric perspective

تئوری زیست محور بشر را نیز همانند دیگر جانداران زنده بر روی کره زمین تصور می‌کند که از جهت اخلاقی از منزلت یکسانی برخوردار است. لذا با توجه به مقدمات این تئوری بشر در مقابل دیگر موجودات اعم از انسان و غیر انسان مسئولیت دارد و نمی‌تواند در راستای منافع و تمایلات سیری ناپذیر خود به محیط زیست دست اندازی نماید و منابع موجود را مورد بهره برداری افراطی یا نادرست قرار دهد(بنسون، ۱۳۸۲: ۳۴).

<sup>3</sup> - Ecocentric perspective

تئوری بوم محور خواهان انتخاب یک روش و سیاق می‌باشد که کمترین آسیب را به محیط زیست برساند و عمر بشر را بر روی زیست کره افزایش دهد. این تئوری مبتنی بر یک شعار تحت عنوان «ساده زندگی کن تا دیگر جانداران(اعم از بشر و غیربشر) بتوانند به سادگی زندگی نمایند»(Halsey et al, 2006, p205).

مصوب ره به جایی نبرند و جهتی دیگر سپردن طرح‌های عمرانی به پیمانکاران بدون نظارت، تعهد رعایت قاعده‌های حراست از محیط زیست بی معنا شود. از جهت دیگر القائنات سیاسی موجب گردیده تا اقدام کار اصولی کارشناسی از دست برود و مسئله مزبور از علل عدم اعتنا و التفات به قوانین در رابطه با جنگل و مراتع گردد. همینطور می‌بایست اظهار داشت که ارتباط‌های بین‌المللی بالایی در کشور ما صورت نمی‌پذیرد و در نهایت اجرای طرح‌های مناسب و علمی با سایر کشورهای همسایه و متخصص در امر محیط زیست را دشوار می‌کند. در سال ۱۳۷۳ مقرر شد تمام برنامه‌های بزرگ توسعه مشمول ارزیابی اثرات توسعه گردد و بعد از تایید مطالعات زیست محیطی کاندید اخذ اعتبار مالی شود ولیکن تاکنون انجام نشده است. این مسئله هم می‌تواند به تعهدپذیری که تاثیر داشته باشد، زیرا که زمانی که بتوان بدون اخذ مجوز قانونی بعد از منفعت طلبانه دست یافت، وجود یا عدم وجود قانون، یک معنا دارد. بنابراین قانون مدون شده‌ای که اجرایی نشود، در واقع بی قانونی تلقی شده و کم‌کم یک محسوب می‌گردد. به همین جهت اصل پایبندی نیز کم اهمیت حتی در برخی موارد بیماران خواهد شد.

#### عدم تمایل مجریان طرح‌های عمرانی و بهره‌برداری در استفاده از نظرات کارشناسان زیست محیطی

در شرایط کنونی مسلط بر نظام اقتصادی کشورمان، محیط زیست بوده که همیشه به عنوان یک ارزش دست چند محسوب شده و در تقابل با دیگر ارزش‌ها چون اشتغال زایی، تولید و کاهش تورم و... کنار گذاشته شده است. لابی‌گری مجریان سیاسی و هماهنگی ابزار قدرت برای اجرای قانون باعث شده تا نیازی به اخذ نظرات برای اجرای راهبرد نباشد. از این رو فقط پروژه‌های با تمام قابلیت‌های رعایت مسائل زیست محیطی با هزینه کم به زمان محدود عملی شده و سایر موارد چشم‌پوشی می‌شود و مجریان بیش از توجه به نظرات کارشناسان، دستورات مسئولان رده بالای خود را مد نظر قرار می‌دهند.

#### معضلات ساختار حاکم در سازمان‌ها و ارگان‌های متولی امر

حفاظت محیط زیست بالاخص جنگل‌ها و مراتع در استان مازندران نیز ماهیتاً یک امر عمومی‌گسترده و فرابخشی بوده و تعیین صلاحیت‌های حفاظت محیط زیست میان نهادهای مختلف نقطه پیوند حقوق محیط زیست و اداری را تشکیل می‌دهد (فریادی، ۱۳۹۷: ۱۱۰). لذا بررسی معضلات ساختار حاکم در سازمان‌ها و ارگان‌های متولی جنگل‌ها و مراتع در استان حائز اهمیت است.

#### پراکندگی وظایف و صلاحیت‌های زیست محیطی بین سازمان‌ها و نهادهای دولتی و تصدی‌گری

قوانین موضوعه و ساختار حکومتی کشور ما تکلیف حراست از محیط زیست را بر ذمه نهادی واحد تحت عنوان سازمان حفاظت محیط زیست مستقر کرده است. در ساختار حقوقی ما با تصویب قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست ۱۳۵۳/۳/۲۸ در ماده ۱ این تکلیف بر ذمه سازمان حفاظت محیط زیست قرار گرفت و از این جهت این نهاد مرجع عام حفاظت محیط زیست در کشور تلقی می‌گردد. قانونگذار تعداد کمی از وزارتخانه‌ها را عهده دار امور وابسته منابع طبیعی بالاخص جنگل‌ها و مراتع دانسته است علی‌رغم آنکه صلاحیت مشبع جهت حراست اثربخش از

این منابع سبز را در اختیار این سازمان‌ها قرار نهاده است. مهم‌ترین این وزارتخانه‌ها وزارت جهاد کشاورزی<sup>۱</sup>، وزارت صنعت، معدن و تجارت<sup>۲</sup> و وزارت نیرو<sup>۳</sup> می‌باشند.

باتوجه به صلاحیت‌های فوق به جهت دولتی بودن حراست از جنگل‌ها و مراتع، ناکارآمدی دستگاه دیوانی دولت و توانایی آن در مدیریت مشکلات و بحران‌ها مستقیماً بر وضعیت محیط زیست تأثیر می‌گذارد. اثر برجسته ناهماهنگی‌ها در امور اجرایی و صلاحیت را در مدیریت بخشی گرا و ناموزون حیطه‌ی جنگل‌ها و مراتع میان استان‌های شمالی گلستان و مازندران و گیلان می‌توان به عین مشاهده نمود. برای تمثيل می‌توان به عدم مدیریت پسماند در این سه استان در ابتکار تبدیل پسماند آلی به کمپوست و استفاده مجدد آن اشاره نمود که همزمان به سازمان‌های مختلفی از جمله وزارتخانه‌های نیرو، راه و شهرسازی، بهداشت کشور و جهاد کشاورزی مربوط می‌شود. بدیهی است که بدون اعمال یک نظام مدیریت یکپارچه در مدیریت محیط زیستی این منطقه و کل کشور، می‌تواند ناهماهنگی و مدیریت چندپارچه در حوزه‌های فرابخشی بروز کند. لذا قانونگذار با وجود برخی تلاش‌ها در راستای مسئول ساختن شمار معدودی از نهادها در حفظ محیط زیست، الگوی مناسبی برای مشارکت نهادها در حفاظت محیط زیست اتخاذ نکرده است. از یکسو سازمان و شورای عالی حفاظت محیط زیست از اختیارات لازم برای هماهنگی دستگاه‌های اجرایی مختلف و نظارت موثر بر وضعیت محیط زیست کشور بهره مند نیستند؛ از سوی دیگر وظایف حفظ محیط زیست به خوبی تقسیم نشده و برخی از نهادهای مرتبط، به ویژه نهادهای محلی، صلاحیت قانونی مشخصی در حفظ آن ندارند (فریادی، ۱۳۹۷: ۱۲۸).

#### ایراد فرآیندهای مرتبط با امور مالی و بودجه

طرح‌ریزی سیاست‌هایی در حیطه رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی، محیط زیست استان مازندران مستلزم داشتن اطلاع دقیق از شرایط منطقه می‌باشد. پوشش سرزمین در استان مازندران به علت تراکم جمعیت بالا، نرخ بالای مهاجران، شرایط مساعد طبیعی، تعدد واحدهای صنعتی، دارا بودن مرز ساحلی و سیر عظیم ساخت و ساز در سالیان اخیر با سرعت در حال تغییر است. تراکم جمعیت طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ در حال افزایش است که می‌تواند اثرات شدیدی را بر روی اکوسیستم استان ایجاد کند. همچنین نتایج نشان داد فاکتور تولید پسماند در استان نیز از شرایط مناسبی برخوردار نمی‌باشد و در طی ۱۵ سال گذشته از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۸ میزان تولید پسماند روند افزایشی داشته است و منجر به تخریب اراضی جنگلی در این استان شده است (رباطی و قازانچایی، ۱۳۹۸: ۹۶).

<sup>۱</sup> - وزارت جهاد کشاورزی مکلف به تمشیت بخش کشاورزی، جنگل‌ها، مراتع، آبخیزها و شیلات می‌باشند ولیکن حراست از منابع کشاورزی همچون آب، خاک و پوشش گیاهی و همینطور الزام به کشاورزی پایدار مکانیس‌های الزام آوری ایجاد نشده است

<sup>۲</sup> - وزارت صنعت، معدن و تجارت طبق ماده ۲۳ قانون تمرکز امور صنعت و معدن و تشکیل وزارت صنایع و معادن مصوب ۱۳۷۹/۱۰/۶ مکلف به اصدار مجوز تأسیس و بهره برداری از واحدهای تولیدی صنعتی و معدنی با رعایت قوانین زیست محیطی می‌باشد، ولیکن در حیطه همدل و هم‌نوا کردن تجارت با حراست از جنگل‌ها و مراتع وظایف خاصی عهده دار نیست

<sup>۳</sup> - وزارت نیرو مکلف به تمشیت منابع آب و انرژی‌های فسیلی و نو می‌باشد. در ماده ۱ قانون تأسیس وزارت نیرو تکالیف گوناگونی در حیطه جنگل‌ها و مراتع بر ذمه وزارت نیرو نهاده شده است که پیامدهای مختلف زیست محیطی دارد. اما مکانسیم‌های ضروری جهت اجرای نگرش‌های محیط زیستی در اعمال تکالیف مزبور و مبدل نمودن حراست محیط زیست تحت عنوان مقصود اساسی اقدامات وزارت نیرو اتخاذ نشده است.

فاکتور تغییر کاربری اراضی در این استان بدنبال توسعه شهری و افزایش رشد جمعیت منجر به تخریب جنگل‌ها و تبدیل آن‌ها به اراضی کشاورزی و سپس تبدیل اراضی کشاورزی به مراتع شده است، اما در دهه اخیر سازمان حفاظت محیط‌زیست کشور همواره در رده دستگاه‌های دولتی قرار دارد که با مشکل بودجه و اعتبار دست و پنجه نرم کرده است. بر اساس لایحه بودجه سال ۹۹، رقم کل بودجه‌ای که دولت برای این سازمان در نظر گرفته معادل ۸۷۴ میلیارد و ۱۹۸ میلیون و چهارصد هزار تومان است که از این مقدار ۶۳۸ میلیارد و ۵۷۲ میلیون و پانصد هزار تومان مربوط به بودجه هزینه‌ای این سازمان بوده و ۲۷۷ میلیارد و ۲۸۴ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان هم در بخش سرمایه‌ای به این سازمان تعلق گرفته است تا در حوزه‌هایی مانند پالایش و مدیریت آلاینده‌ها، حراست و توسعه جنگل‌ها و مراتع در استان مازندران و حمایت از محیط بانان، فرهنگسازی و ارتقای مشارکت‌های مردمی در بهسازی محیط زیست و... صرف گردد. از این میان بودجه سازمان جنگل‌ها نیز در سال جاری ۱۸۹ میلیارد و ۸۱۹ میلیون تومان است و برای سال آینده ۲۸۳ میلیارد و ۲۳۵ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان در نظر گرفته شده است. با تمام اوصاف بیان شده، مازندران دچار کمبود بودجه در پرداخت محیط‌بانان است، که همین چالش منجر به جنگل‌های خالی از جنگلبان در استان شده است. همچنین نبود نیروی انسانی و عدم بودجه کافی از نظارت بر طرح‌های عمرانی و پیمانکاری کاسته که علل مزبور موجبات افزایش میزان جرایم علیه جنگل‌ها و مراتع در استان شده است.

#### مدل مدیریت و سیاست‌های شتاب زده

التیام و پیشرفت وضعیت کنونی در ساختار اجرایی کشور در گرو تحدید قدرت‌های غیرمنطقی و نامناسب صاحبان سرمایه و مبادرت به امور فرهنگی می‌باشد. در اخذ تصمیمات و اعمال اجرایی می‌بایست مدیریتی منسجم وجود داشته باشد و مولفه‌هایی مانند پایبندی به قوانین مصوب، فاصله گرفتن تصمیمات زیست محیطی از سیاست، بکارگیری نیروهای نخبه و کاردان می‌تواند از جمله راهکارهای در بهتر شدن وضعیت جنگل‌ها و مراتع استان مازندران گردد و عدم رعایت موارد فوق منجر به چالش‌ها و معضلات و در نتیجه جرایم علیه جنگل‌ها و مراتع می‌گردد. با توجه به این مهم که کشور فاقد طرح آمایش سرزمین و شاخص‌های توسعه پایدار می‌باشد، در واقع شاخصی در ید مدیران وجود نداشته از معضلات اصلی زیست محیطی محسوب می‌شود. بنابراین ضرورت احساس می‌شود که می‌بایست با آموزش اجرا کنندگان طرح‌ها، اعمال امور کارشناسی با توجه به عقیده نخبگان و کاردانان در عوض نظرات سیاسیون، وادار نمودن اجرا کنندگان طرح‌ها با ملاحظه اصول زیست محیطی دریافت مجوزهای مربوطه و آتیه نگری در تدوین و تصویب اعمال طرح‌ها و سیاست‌گذاری و بررسی معضلات و ایرادات هر طرح به طور ویژه می‌تواند به حل مشکلات این بخش کمک بسزایی نماید. همچنین مشارکت عمومی در طرح نهال کاری یا آموزش و افزایش آگاهی آنها در خصوص حقوق خود همچون حق برخورداری از هوای پاک محیط زیست سالم و جنگل‌های انبوه و مطالبه آن‌ها از دولت و سایر اشخاص که در وقوع این پدیده دخیل هستند؛ موجب کاستن از جرایم و آسیب‌های علیه جنگل‌ها و مراتع می‌گردد و همچنین حس مسئولیت‌پذیری و قانون‌پذیری را در بین عموم مردم افزایش دهد.

### ترکیب نیروی انسانی و ضعف نیروی حفاظتی

اگرچه فرهنگ‌سازی برای حفظ محیط‌زیست ضروری است ولی در کنار آن باید قوانین بازدارنده‌ای هم برای جلوگیری از رفتارهای تخریبی افراد تدوین شود. در تحقیق و بررسی که در باب عوامل جرایم علیه جنگل‌ها و مراتع بالاخص شکار غیر مجاز در دو استان مازندران و گلستان صورت گرفت، یکی از مهم‌ترین دلایل وقوع جرایم علیه جنگل‌ها و مراتع در دو این دو استان همجوار، کمبود مامورین و ضعف مهارتی و آموزشی مامورین مزبور بوده است (قاسمی، ۱۳۸۹: ۳۹۹)، این در حالی است با توجه به حساسیت زیست محیطی مازندران، هر هزار هکتار یک محیطبان نیازمند است اما در مازندران هر ۱۲ هزار هکتار یک محیط بان وجود دراد که سبب ترمرد به محیط بانان می‌شود و تزریق اعتبارات لازم جهت حفاظت نیز از روند مطلوبی برخوردار نبوده و همواره کمبودهای مالی، تجهیزاتی و نیروی انسانی را می‌توان از عوامل عدم توفیق سازمان‌های متولی منابع طبیعی و محیط زیست ایران در مدیریت مناطق جنگلی و مرتعی استان مازندران به شمار آورد. همچنین آموزش علمی ناکافی کارشناسان شاغل در واحدهای ستادی و استانی در تهیه طرح‌ها به دلیل واگذاری آن به بخش‌های غیردولتی نیز از دیگر چالش‌هایی است که موجب می‌گردد راه سوء استفاده و منفعت طلبی در طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی و صنعتی در استان باز گردد و در حراست از جنگل‌ها و مراتع در استان مازندران با مشکلات و خسارات جبران ناپذیری مواجه گردیم.

**عدم نظارت بر فعالیت پیمانکاران بهره برداری از جنگل:** نظارت بر حسن انجام کار توسط پیمانکاران از طریق نظارت‌های دولتی و مردمی نیز یک اصل انکار ناپذیر برای حفاظت صحیح از جنگل می‌باشد، چرا که عدم نظارت بر عملکرد پیمانکاران بهره برداری چوب از جنگل‌ها و معادن موجبات استفاده بیش از حد معمول و تجویز شده در مجوزهای بهره برداریشان از منابع مزبور را فراهم نموده و یا از طرق غیرقانونی با دور زدن قانون و یا با تبانی مامورین و متصدیان حیطه مربوطه دست به قاچاق چوب و... زنند و به ثروت‌های هنگفت به وسیله این امور برسند. این تصرفات عدوانی گاه‌ها شیوه‌ای سازمان‌یافته پیدا کرده و به صورتی پیچیده، عناصر مادی مجرمانه و شبکه‌ای از تخلفات را صورت‌بندی کرده است؛ از طرفی شدت روزافزون انگیزه مجرمانه تصرف عدوانی منابع ملی به دلیل سودآوری آن و نیز خلل و ضعف اقدامات پیشگیرانه و از طرف دیگر وجود مفرهای حقوقی و قانونی است. حیاط‌خلوت‌ها، سوداگران معادن و ذخایر ملی را متجری و پایمرد تر در تعرض به طبیعت معصوم می‌کند همانطور که در پرونده شخصی که در استان مازندران بالاخص در شهرستان آمل خود را ملقب به «ترامپ مازندران» می‌دانست، وی باتوجه به همین عدم نظارت دست به تصرف در مال غیر و برداشت‌های بی‌رویه ماسه که سبب تخریب محیط‌زیست و منابع طبیعی شده بود، به ثروت هنگفتی دست یافت که توسط دستگاه قضا دستگیر گردید اما این قبیل عملکردها نه تنها جبران خسارات برگشت ناپذیری را که در نتیجه اعمال این قبیل مجرمان صورت می‌پذیرد، نخواهد کرد، بلکه به وسیله لابی‌گری‌ها و پول شویی از چند قانون فرار خواهند کرد.

**عدم راهکار در جذب مشارکت عمومی:** مطابق اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حفاظت از محیط زیست یک وظیفه عمومی تلقی می‌گردد و همه اقشار جامعه در مقابل حفاظت از محیط زیست مسئول اند.

اطلاع‌رسانی و آموزش مبانی حراست از جنگل‌ها و مراتع به گروه‌های هدف و فرهنگ‌سازی حفاظت از این منابع سبز برای اقشار مختلف جامعه و حساس نمودن افکار عمومی در مقابل این جفای انسان به جنگل‌های استان یکی از کارآمدترین روش‌ها برای پیشگیری است. تغییر نگرش و سبک زندگی و تغییر رفتار ما با محیط زیست نیز می‌تواند از روند تخریب روزافزون محیط زیست بکاهد (لاهیجانیان و شیعه بیکی، ۱۳۹۴: ۱۴۹). علی‌رغم تأکید اصل ۵۰ قانون به عمومیت حراست از جنگل‌ها و مراتع، راهکارهای مناسب و فرهنگ‌سازی صحیحی در راستای هدف مزبور صورت نگرفته است و در واقع اگر چه موضوع حراست از جنگل‌های استان به عنوان مهم‌ترین منابع سبز و تلاش در آن راستا، در مباحث آموزشی درسی محصلان و در سطوح گوناگون تعلیم و تدریس می‌شود ولیکن مباحث درسی مزبور بدون واکنش و بازخورد قابل قبول بوده است و اغلب از اطلاعات ابتدایی در مورد جنگل‌ها و مراتع سخن آورده شده است. در واقع مشارکت فرآیندی همه‌جانبه است که هم‌ه‌ی مردم و گروه‌ها در آن فعال و درگیر می‌باشند که می‌توان موانع آن را مواردی عبارتند از؛ ۱- برنامه‌ریزی متمرکز، ۲- ساز و کارهای نامناسب، ۳- فقدان هماهنگی‌های محلی و فقدان ساختارهای محلی، ۴- نامناسب بودن طرح‌ها یا فناوری اجرای طرح‌ها دانست. لذا در به منظور اتخاذ شیوه‌های مناسب آموزش در مشارکت عمومی محیط زیست، لازم است ابتدا شرایط اکولوژیکی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سایر عوامل دخیل در این زمینه بررسی و شناسایی گردند. از طرفی برای تصمیم‌گیری و توسعه یک خط مشی مناسب آموزشی، بایستی از مشارکت گسترده مردم و تجربیات آحاد مردم به ویژه افراد بومی استفاده گردد (شبییری و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۹).

### معضلات قضایی دخیل در جلوگیری از اعمال بزهکارانه علیه جنگل‌ها و مراتع

اکثریت مسئولین و مدیران در سطح استان مازندران با مقررات زیست محیطی آشنا و مانوس نبوده و جاهل به ضابطه‌ای حراست از محیط زیست می‌باشند و معدود کسانی هستند که در راستای پیشگیری از رفتارهای تخریبگر و غیرقانونی تعلیم دیده باشند ابلاغ با تاخیر اعتبارات و مهلت بسیار کم اعمال و اجرای طرح‌ها تا خاتمه سال مالی، مجال استطلاع و استفسار از سرپرستان و کارگزاران محیط زیست و منابع سبز را نخواهند داشت و بودجه پیش‌بینی اضرائی که به عرصه‌ها وارد می‌گردد، به چشم نمی‌آید. بنابراین تحلیل جرایم واقع شده‌ی خسارت‌بار نیز معمولاً قابل بحث نمی‌باشد. لذا به این جهت که در روند تخریب جنگل‌ها و مراتع در استان مازندران در اغلب موارد به علل تکوین و شکل‌گیری جرایم و آسیب‌های علیه این منابع سبز و کانون وقوع این جرایم توجه می‌گردد، شناسایی و طبقه‌بندی و اولویت‌بندی این اعمال و رفتارها و معین‌سازی حصه‌ی آن اسباب در وقوع پدیده‌های مجرمانه و آسیب‌زننده به نظر تبیین و تحلیل شایسته‌ای می‌باشد. بدین سبب که متنوع‌سازی و تحلیل فوق‌الذکر صورت نمی‌پذیرد، قواعد و مقوله‌های قانونی به حاشیه رانده خواهد شد. همچنین مصلحت‌جویی و چاره‌اندیشی قوه قضاییه موجب گردیده است در حیطه مربوط به جنگل‌ها و مراتع برخورد قاطعی از این نهاد مشاهده نکنیم و در نتیجه با اصدار آرای غیرمحذورکننده و گاهی با عدم صلاحیت در برخورد با بزهکاران این جرایم، اسباب ایجاد

معضلات عدیده‌ای در این میان می‌شود. علاوه بر این عدم وجود ضمانت اجراهای مناسب مقررات بازدارنده موجب ایجاد فرصت منفعت طلبی سودجویان و تقلب در قوانین می‌گردد.

### تخلف و سرپیچی دولت و شرکت‌های وابسته به آن

اشخاص حقوقی و اجراکنندگان به اعتبار و تکیه گاه سیاستمداران طرح‌های توسعه‌ای مدنظرشان را که شامل توسعه پایدار نمی‌شود، پیگیری و به اجرا می‌اندازند. لذا با نبود یک برخورد قاطع از سوی قوه قضاییه، مجریان طرح‌های غیر قانونی تجری و گستاخی بیشتری جهت مبادرت به نقض قانون پیدا می‌کنند. از سوی دیگر نبود برنامه‌های جامع و عدم مذاقه نسبت به علل برنامه‌های گذشته و عدم اعتنا به تحقیقات و پژوهش‌های نوین در راستای پیشگیری از جرایم علیه جنگل‌ها و مراتع، موجبات ایجاد اشتباه را فراهم می‌سازد. مدیران به جنگل‌ها و مراتع و ارج و قدر حیات این منابع سبز و موجودات آن اعتقاد ندارند. در این مبحث هر قسمت دولتی، صنفی در جهت رقابت با دیگر بخش‌های دولتی مبادرت به گزارش و آماردهی می‌نماید و در این میان لابی گران و صاحبان ثروت و قدرت در دور زدن مقررات و ظوابط اقدامات و فشارهای سیاسی بسیاری وارد می‌نمایند که در نهایت موجب می‌گردد تا میزان تبعیت از قانون پایین بیاید و قوه قضاییه نیز با عدم تعلیم درست قضات و عدم مبادرت به فرهنگ سازی میان نهادهای زیرمجموعه و در سطح جامعه و مراکز دانشگاهی، اسباب ایجاد معضلات و مشکلات مختلفی که در نهایت منجر به نقض مقررات می‌شود، را فراهم می‌سازد. همچنین می‌بایست این نکته را بیان نمود که مراعات مقررات در حمایت از جنگل‌ها و مراتع از سوی دولت و کارگزاران آن سبب ایجاد دو مشکل عدیده می‌گردد؛ نخست تلف شدن زمان در اعمال طرح‌ها و تاخیر در امور مختلف قانونی می‌شود و دوم اینکه با بیشتر شدن هزینه‌های حاشیه‌ای برنامه‌ها و طرح‌ها که به صورت مستقیم بر اتخاذ تصمیمات در حوزه‌ی محیط زیست؛ بالاخص جنگل و مراتع اثرات خود را باقی می‌گذارد، در نهایت موجبات نقض مقررات از سوی دولت و شرکت‌های وابسته در راستای نیل به سود و منفعت و مقاصدشان منطبق پذیر تر خواهد شد.

### عدم بازدارندگی کیفرهای قانونی در جلوگیری از جرایم علیه جنگل و مراتع

کیفرهای مالی، اعمال مانورهای ساماندهی همزمان، اعمال اولیه و به موقع تعیین شده و در انتها انفصال مدیران متخلف و بی تدبیر و بزهکار می‌تواند در میزان بازدارندگی کیفرهای قانونی در جلوگیری از جرایم علیه جنگل و مراتع اثربخش باشد. به نظر می‌رسد چنانچه مسئولین از مصونیت قضایی برخوردار نباشند، معضلات به مرور کاهش خواهد یافت، ولیکن می‌بایست به نکته دقت نمود که مسئله‌ی عمده و مهم در باب حراست از جنگل و مراتع، به کیفر رساندن اشخاص حقوقی است که بیشترین نقش آفرینی و اثر را در بروز و وخیم شدن و شدت گرفتن جرایم و آسیب‌های علیه این منابع سبز در استان دارند؛ چرا که به کیفر رساندن این اشخاص کل استان و همینطور تمامی کشور را تحت تاثیر قرار خواهد داد. لذا به مصلحت نبوده در نتیجه برخی از مجازات‌ها از حیطة اجرا خارج می‌شوند و این مشکلی است که تاکنون در جهان برای آن راه‌حل یافت نشده است.

### عدم پیگیری تخلفات اشخاص حقوقی در قلمرو جنگل‌ها و مراتع توسط قوه قضاییه

سیستم و نظام قوه قضاییه با عوامل زیست محیطی ناآشنا می‌باشد و مسکوت ماندن برخی قوانین نسبت به عضی اعمال آسیب زنده به جنگل‌ها و مراتع و عدم ورود این قوه در جهت برخوردی قاطع با خاطیان زیست محیطی موجب ایجاد مشکلات زیادی در این رابطه می‌گردد. همینطور اولویت‌بندی رسیدگی دستگاه قضایی مناسب نبوده و این بدین مفهوم است که موضوعات خارج از نوبت زیادی وجود دارد که خارج از نوبت بودن آن موضوعات مرتبط با جنگل‌ها و مراتع را تحت تاثیر قرار می‌دهد. لذا بدین سبب روند و پروسه رسیدگی به پرونده‌های علیه محیط زیست بالاخص جنگل‌ها و مراتع با اطاله‌ی زیاد روبروست. در این میان مقررات در بعضی مسائل مبهم و یا مسکوت است و بسیاری از آسیب‌ها و خسارات وارده به این منابع سبز به جهت اتخاذ سیاست‌ها و تصمیمات ناصحیح و شتاب زده جرم انگاری نگردیده است و کیفرهایی که در قوانین مزبور در رابطه با جنگل‌ها و مراتع تدوین شده است از اصل متناسب بودن جرم و مجازات پیروی نکرده است و در واقع مجموعه‌ای عظیم از اعمال و تقدمات جرم زای دولت در قالب اعمال حاکمیت جرم انگاری و کیفرگذاری نگردیده است. همچنین بسیاری از قضات دادگاه‌ها به دلیل عدم آموزش صحیح و عدم برخورداری از کارشناس و کاردان بودن در مسائل مربوط به جنگل‌ها و مراتع، اقدام به اصدار آرای نابجا و بدون کارایی، که ناشی از عدم آشنایی آنان به این حیطه و قوانین مربوطه‌ی آن و به کل موضوعات زیست محیطی می‌شود، می‌نمایند. لذا ضروری به نظر می‌رسد قوه قضاییه جهت رسیدگی پرونده‌های مطروحه در این حوزه با توجه به اهمیت و نقش حیاتی جنگل‌ها و مراتع استان مازندران در توسعه پایدار، مبادرت به ایجاد دادگاه‌ها و شعباتی کاملاً تخصصی و ویژه در این باب نماید.

### نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

آمایش سرزمین امروز مجموعه‌ای از دانش‌های جدید است که به طرز هماهنگ و تلفیقی یافته عمل می‌کند و به مرور زمان خاص تر و تخصصی تر به آن نگریسته می‌شود و کارشناسان رشته‌های مختلف علوم اجتماعی (جامعه‌شناسی، جمعیت‌شناسی، اقتصاد، مدیریت، برنامه‌ریزی اجتماعی و...) مهندسی (معماری، راه و ساختمان، کشاورزی، منابع طبیعی و محیط زیست و معماری و شهرسازی) و جغرافیا با مشارکت گروهی و گفت و شنود و منطقی می‌توانند در محدود مسائل آمایش سرزمینی مطالعه و برنامه‌ریزی کنند.

در کشور ما بالاخص در استان مازندران به رسمیت یافتن دفتر آمایش سرزمین و مطالعات جدی در این زمینه از سال ۱۳۵۳ می‌رود تا در زمینه‌های مختلف خلاهای موجود اطلاعاتی و مطالعاتی را پر کنم. این دفتر در حال حاضر و به خصوص در سال ۱۳۶۴ تحت نظارت شورای عالی آمایش سرزمین که ریاست آن با رئیس جمهور است، کار می‌کند.

در حال حاضر و طبق گزارشات، این دفتر موظف به تجدید نظر و بهنگام سازی مرحله اول آموزش سرزمین در سال‌های آتی ساز. به طور کلی آمایش سرزمین در استان مازندران شامل سه مرحله؛ تهیه پایه آمایش سرزمین نسبت به جنگل‌ها، تهیه طرح آمایش مناطق شهری و گردشگری استان مازندران، و تهیه برنامه‌های توسعه مناطق است.



وقت گیرترین و مشکل‌ترین مرحله آمایش سرزمین مرحله دوم آن یعنی تهیه برنامه‌های مناطق شهری و گردشگری است که طی آن توان‌های بالقوه و بالفعل سرزمین در مناطق باید تعیین گردند. برداشتن گام‌های اول و دوم برای پا گذاشتن به گام سوم است. لذا هدف اصلی و اساسی مبحث آمایش‌شناسی و مدیریت آمایش سرزمین در استان مازندران نمایاندن دانش ارزیابی و توان اکولوژیکی سرزمین است.

از منظر جرم‌شناسی سبز کاهش مدام کیفیت جنگل‌ها و مراتع با قوانین این حوزه و نحوه اجرای آن‌ها در ارتباط است. ارتکاب جرایم زیست محیطی فراوان از سوی دولت‌ها (با همکاری شرکت‌ها)، همواره موجب شده است که رویه‌های سیاسی بر ارزیابی‌های فنی و نتایج علمی تأثیر بگذارد.

توجه به رویکردهای ابرارگرایانه دولت‌ها در تعریف جرم و دخیل کردن عوامل سیاسی و اجتماعی موجب شده است که تعریف این جرایم و تعیین مجازات برای آن‌ها نیازمند تجدیدنظر در اصول و ارکان کلاسیک جرم انگاری باشد.

در سال‌های اخیر شاهد همکاری نهادهای بین‌المللی، سازمان‌های دولتی و غیردولتی و دولت‌ها جهت مقابله با جرایم علیه منابع سبز در استان مازندران بوده‌ایم. وضع قوانین کیفری طی دو یا سه دهه گذشته به منظور حفاظت جنگل‌ها و مراتع، نمونه بارزی از این معضل به شمار می‌رود، اما مشکل اساسی عبارت است از تنظیم قانونی فعالیت‌های مؤسسات تولیدی نسبتاً بزرگ، از این رو مؤثرترین وسیله برای نیل به این منظور، تعیین معیارهای دقیق مربوط به آسیب‌های ناشی از چرای بی رویه، ساخت و ساز غیر مجاز و تصرف اراضی ملی، آتش زدن جنگل و مرتع، قاچاق چوب، تصدی گری و سلطه ی گسترده دولت و نهادهای دولتی بر محیط زیست، سوءمدیریت و اقدامات نابخردانه و ناکارآمد اتخاذ شده در این خصوص و به کار بردن این معیارها از طریق مقررات اداری و سازمانی و کشوری و... است.

قوانین کیفری نقش محدودی را توأمان با اجرای مقررات اداری ایفا می‌نمایند. بیشتر ضعف‌های شناسایی شده ساختاری است و به منابع، امکانات، تشکیلات و قوانینی اشاره دارد که سازمان اداره کننده جنگل باید دارا باشد، ولی ندارد و نیز به اقدامات ضروری که مغفول مانده یا نتیجه مطلوبی نداشته است، لذا اقتضاء دارد قوای مقننه و اجرایی و حتی قضایی کشور با حساسیت بیشتر به این مهم پرداخته و با تصویب و یکپارچه سازی قوانین از این تشتت قوانین بکاهند و از سوی دیگر با توجه به آنکه نحوه تشخیص ماهیت و نوعیت اراضی از انسجام کافی برخوردار نبوده و تعریف مشخصی برای متولیان و حتی شرایط مجریان آن در قوانین بیان نشده که این خود موجب ضعف شدید آرای تشخیصی و باتبع موجب نقض راحت آنها در مراجع قضایی می‌گردد، لذا پیشنهاد می‌شود بدو نسبت به بازبینی و تنقیح قوانین و بیان روشن ماهیت اراضی و مراجع تشخیصی و سپس مراحل اعتراض به این تشخیص و تعیین حدنهایت برای این اعتراضات و همچنین الزام متولیان امر به استفاده از سیستم‌های نوین و فناوری‌های رایج در تشخیص و تثبیت ماهیت اراضی و تسهیل نحوه دفاع موثر و حفاظت از این اراضی نهایت تلاش خود را معمول

دارند و از سوی دیگر محققین و صاحب‌نظران در این عرصه بصورت جدی‌تر وارد شده و به بیان نقاط قوت و ضعف سیستم قضایی و قوانین جاری پرداختند.

## منابع

- ابراهیمی، شهرام، (۱۳۹۱)، جرم‌شناسی پیشگیری، جلد اول، چاپ دوم، انتشارات میزان
- اسماعیلی، حسن، (۱۳۹۹)، جرایم علیه جنگل‌ها و مراتع در قلمرو استان مازندران در پرتو آموزه‌های جرم‌شناسی سبز، رساله دکتری گرایش کیفرشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آیت الله آملی
- افشاری، مریم، (۱۳۸۹)، تأثیرات آب و هوایی بر صلح و امنیت انسانی، پایان نامه دوره دکترای گرایش حقوق بین‌الملل، تهران، دانشگاه شهید بهشتی
- آقامحمدی، علی اصغر؛ مرادی، محمد، (۱۳۹۷)، آمایش سرزمین و نقش آن در توسعه منطقه‌ای، جغرافیا و روابط انسانی دوره ۱، شماره ۲، باختر، سید احمد، (۱۳۹۳)، مجموعه کامل قوانین و مقررات موضوع اجرای ماده ۵۶ قانون جنگلها و مراتع، تهران، انتشارات جنگل جاودانه
- خالقی، ابوالفتح؛ رشنودی، حجت الله، (۱۳۹۲)، سیاست تقنینی کیفری ایران در صیانت از منابع آب با عنایت به اسناد بین‌المللی، پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره سوم
- خنیفر، حسین، (۱۳۸۹)، درآمدی بر مفهوم آمایش سرزمین و کاربردهای آن در ایران، آمایش سرزمین، پردیس قم، دانشگاه تهران، سال دوم، شماره ۲
- دانش ناری، حمید رضا، (۱۳۹۲)، رویکردی انتقادی به جرایم زیست محیطی فرامرزی، مجله مطالعات بین‌المللی پلیس، شماره ۱، دکسردی، والتر، (۱۳۹۲)، جرم‌شناسی انتقادی معاصر، ترجمه و تحقیق مهرداد رایجیان اصلی و حمیدرضا دانش ناری، چاپ اول، تهران، انتشارات دادگستر
- رباطی، مریم؛ قازانچایی، الهام، (۱۳۹۸)، سنجش وضعیت زیست محیطی - اقتصادی و اجتماعی استان مازندران با DPSIR رویکرد مدل مفهومی، فصلنامه انسان و محیط زیست، شماره ۱۵
- رحیمی، سمیه و هوشیار، حسن، (۱۳۹۸)، راهبردهای توسعه گردشگری شهری از دیدگاه آمایش سرزمین (مورد مطالعه: استان کردستان)، فصلنامه علمی - پژوهشی جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال نهم، شماره ۲، بهار، صص ۳۳۴ - ۳۱۷.
- رعایایی، عماد؛ خداشناس، علیرضا؛ ابطحی، سیدمجتبی، (۱۳۹۱)، غبارهای پیابانی و طوفان‌های غباری، اثرگذاری و نحوه مقابله، تهران، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی
- ریوچی، هیرانو، (۱۳۸۵)، حمایت کیفری از محیط زیست، تهران: مؤسسه حقوق تطبیقی شماره ۶
- زاهدی، شمس السادات، (۱۳۹۳)، مبانی توریسم و اکوتوریسم پایدار با تأکید بر محیط زیست، دانشگاه علامه طباطبایی
- سجودی، سید رضا؛ نجفی ابرنآبادی، علی حسین؛ شکرچی زاده، محسن، (۱۳۹۷)، واکاوی سیاست کیفری تقنینی ایران در بستر گفتمان جنبش‌های مبارزه با جرائم تجاوز به اراضی ملی، مجله مجلس و راهبرد، سال بیست و ششم، شماره ۹۸
- سراج الدین، اسماعیل؛ پارت، ریچارد، (۱۳۷۹)، اخلاقیات و ارزش‌های معنوی در خدمت ارتقاء توسعه پایدار بر اساس محیط زیست، برگردان احمد رضا اشرفی‌العقلایی، تهران، نشر سازمان حفاظت محیط زیست
- شبییری، سیدمحمد؛ قائمی، آلاله؛ قائمی، پونه، (۱۳۹۲)، بررسی روند آموزش محیط زیست در برنامه‌های پنج ساله توسعه کشور و ارائه راهکارهای مناسب جهت اجرای آموزش محیط زیست، فصلنامه آموزش محیط زیست و توسعه پایدار، سال اول، شماره ۴
- صیفی، محمد؛ جوان جعفری، عبدالرضا؛ فرهادی آلاشتی، زهرا، (۱۳۹۸)، سندرم بزه دیدگی زیست محیطی: پاسخی به چرایی ارتکاب رفتارهای آسیب رسان به منابع آب زیرزمینی، پژوهشنامه حقوق کیفری سال دهم، شماره دوم (پیاپی ۲۰).

- عربگری، مریم و لطفی، حیدر، (۱۳۹۸)، بررسی و تحلیل ساختار فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جوامع مرزی ایران در غرب و جنوب غرب (با تأکید بر اعراب) در راستای توسعه روابط ایران و کشورهای عربی (آمایش سرزمینی در مناطق مرزی)، فصلنامه علمی - پژوهشی جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال نهم، شماره ۳، تابستان، صص ۵۳۱ - ۵۰۹.
- فریادی، مسعود، (۱۳۹۷)، آسیب‌شناسی همکاری میان‌سازمانی در حفاظت محیط زیست در حقوق اداری ایران، فصلنامه حقوق اداری (علمی - پژوهشی)، سال ششم، شماره ۱۶
- قاسمی، ناصر، (۱۳۸۹)، بررسی علل و عوامل ارتکاب جرایم شکار و صید در استان‌های مازندران و گلستان و ارائه شیوه‌های حقوقی کاهش این جرایم، علوم تکنولوژی محیط زیست، دوره شانزدهم، شماره ویژه ۹۳
- قاسمی، ناصر، (۱۳۹۱)، حقوق کیفری محیط زیست (مطالعه تطبیقی در حقوق ملی و بین‌المللی)، تهران، نشر خرسندی
- گرگی فرد، حمیدرضا، (۱۳۹۲)، جرم‌شناسی سبز و جرایم زیست محیطی، پایان‌نامه اخذ مدرک کارشناسی ارشد، گرایش حقوق محیط زیست، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق
- گرگی فرد، حمیدرضا، (۱۳۹۵)، جرم‌شناسی سبز، چاپ اول، نشر میزان
- گرگی فرد، حمیدرضا، (۱۳۹۵)، جرم‌شناسی سبز، چاپ اول، نشر میزان
- لاهیجانیان، اکرم الملوک؛ شیعه بیکی، شادی، (۱۳۹۴)، بررسی موانع مشارکت اجتماعی شهروندان در محیط زیست شهری با استفاده از روش SWOT و ارائه راهکارهای مناسب جهت ارتقا پایدار محیط زیست، علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره هفدهم، شماره ۴
- منتظری، حسینعلی، (۱۳۶۷)، مبانی فقهی حکومت اسلامی (حکومت و دولت)، ترجمه و تقریر محمود صلواتی، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات کیهان
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۹۱)، بررسی در علوم جنایی جرم‌شناسی رادیکال یا انتقادی، جزوه جرم‌شناسی، ویراست هفتم
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۹۱)، مباحثی در علوم جامعه‌شناسی رادیکال یا انتقادی، جزوه جرم‌شناسی، به کوشش شهرام ابراهیمی، ویراست هفتم
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، هاشم بیگی، حمید، (۱۳۹۳)، دانشنامه جرم‌شناسی، چاپ سوم، تهران، گنج دانش
- وایت، راب، (۱۳۹۲)، جرایم زیست محیطی به سوی جرم‌شناسی جهان بوم، ترجمه و تحقیق حمیدرضا دانش ناری، تهران، نشر روناس.
- وایت، راب؛ هینز، فیونا، (۱۳۹۰)، جرم و جرم‌شناسی، متن درس نظریه‌های جرم در کجروی، ترجمه علی سلیمی، چاپ چهارم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- یزدان‌پناه درو، کیومرث، (۱۳۹۷)، نقش تطبیقی آمایش سرزمین در تبیین رابطه جغرافیا با توسعه: با تأکید بر نواحی خاص مرزی، ساحلی جنوب ایران، فصلنامه علمی - پژوهشی جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال هشتم، شماره ۳، تابستان، صص ۲۳ - ۷.

Brisman, Avi, South, Nigel, (2013), A guide to a Green Criminology, Routledge International Handbook of Green Criminology, edited by Nigel South and Avi Brisman, Routledge Publication, London and New York

Ferrell, Jeff, (2013), Tangled up in green: Cultural criminology and Green criminology, Routledge International Handbook of Green Criminology, edited by Nigel South and Avi Brisman, Routledge Publication, London and New York

Halsey, Mark and White, Rob, (2006), Crime, Ecophilosophy and Environmental Harm, Green Criminology, edited by Nigel south and Piers Berine, Ashgate publishing comoany, 2st series

O'Brien, M. (2008) 'Criminal Degradations of Consumer Culture', in R. Sollund (ed.) Global Harms: Ecological Crime and Speciesism. New York: Nova Science

White, Rob, (2011), Transnational Environmental Crime, Routledge

Yang, Tongjin, (2006), Towards an Egalitarian Global Environmental Ethics, Environmental Ethics and International Policy, UNESC